

کمیسیون مستقل انتخابات:

از ۵۳۷۶ نامزد احتمالی تنها ۶۴ تن شرایط را پوره کرده‌اند



نرگس نهن در سفر به هرات:

شایعات درباره‌ی تاپی بی‌اساس است

امسال ختم می‌شود و به تعقیب آن برنامه‌های بعدی روی دست گرفته خواهد شد. با این حال برخی از آگاهان پیشرفت‌های اجرای پروژه‌ی تاپی را «کند» توصیف می‌کنند. به باور آگاهان نبود امنیت و خلای مدیریت سالم و درست سبب شده که پروژه‌ی انتقال لوله گاز با کندی به پیش برود.

قابل ذکر است که نامنی در برخی ولایت‌های مسیر پروژه‌ی انتقال لوله‌ی گاز سبب جان باختن پنج نفر از کارمندان شرکت‌های

دخیل در اجرای پروژه‌ی تاپی شده است.

روز دوشنبه (۳۱ ثور) منابع محلی ولسوالی میوند ولایت قندهار در جنوب افغانستان از حمله‌ی افراد مسلح به کارمندان ماین‌روبی پروژه‌ی انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و هند (تاپی) خبر دادند. در این حمله، پنج کارمند ماین‌روبی پروژه‌ی تاپی هنگام خنثاسازی ماین کشته شدند.

با این حال انتظار می‌رود که این پروژه‌ی ۱۰ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۱۹ به بهره‌برداری سپرده شود؛ پروژه‌ای که افغانستان سالانه ۴۰۰ میلیون دلار از آن بهره خواهد برد. پیش‌بینی می‌شود که ۳ میلیارد دلار برای ۸۴۰ کیلومتر آن که در خاک افغانستان است هزینه دارد.

این خط لوله، ظرفیت انتقال سالانه‌ی ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز دارد. به باور مقام‌های دولتی این پروژه، برای هر ۴ کشور شریک سودآور است، به ویژه برای ترکمنستان که سال‌ها دنبال جذب مشتری برای ذخایر غنی از گاز خود است.

لوله‌ی انتقال گاز تاپی حدود ۱۸۱۴ کیلومتر طول خواهد داشت. ۱۴۷ کیلومتر از خاک ترکمنستان، ۷۳۵ کیلومتر از خاک افغانستان، از ولایت‌های هرات، فراه، هلمند و قندهار عبور خواهد کرد و با طی ۸۰۰ کیلومتر در پاکستان به هند می‌رسد.

نرگس نهن، سرپرست وزارت معادن و پترولیوم در سفر به هرات اعلان کرد که امور مقدماتی پروژه‌ی تاپی یا لوله‌ی انتقال گاز از ترکمنستان از مسیر افغانستان و پاکستان به هندوستان، از دو ماه به این طرف شروع شده است و شایعات در مورد آن «اساس» ندارد. خانم نهن تأکید کرد که پنج شرکت افغانستانی از دو ماه به این سو مصروف برآوردهای مقدماتی اجرای پروژه‌ی تاپی در خاک افغانستان هستند و کار ساخت لوله‌ی انتقال گاز پروژه‌ی تاپی مطابق به تقویم پیش‌بینی شده پایان می‌یابد.

سرپرست وزارت معادن و پترولیوم گفت که ۱۲۰۰ نفر تا کنون از سوی پنج شرکت افغانستانی که مورد تأیید تاپی لمیتید است، ثبت نام شده و مشغول بررسی اراضی، زمین‌شناسی، محیط زیستی، بررسی‌های اجتماعی و اقتصادی و بررسی‌ها در مورد ماین‌روبی مسیر لوله‌ی پروژه‌ی تاپی در پنج ولایت کشور هستند. او وعده داد که کارهای مقدماتی در جریان امسال ختم شده و به تعقیب آن کارهای ساختمانی و تأسیسی پروژه‌ی تاپی در سال جدید میلادی آغاز می‌شود.

افتتاح کار پروژه‌ی انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند از مسیر افغانستان یا «تاپی» در کنار کلید خوردن پروژه‌ی انتقال برق ۵۰۰ کیلو ولت ترکمنستان به پاکستان (تاپ)، امتداد خط آهن ترکمنستان به داخل افغانستان و امتداد کابل نوری در مسیر تاپی رسماً در روز چهارم ماه حمل امسال در شهر هرات کلید خورد.

مراسم افتتاح کار پروژه‌ی تاپی با حضور محمدشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان، قربان‌قلی بردی محمدوف، رئیس جمهور ترکمنستان، شاهد خاقان عباسی، نخست‌وزیر پاکستان و مبشر جاوید اکبر، وزیر دولت در امور خارجه‌ی هند همراه بود.

سرپرست وزارت معادن و پترولیوم افغانستان در نشست خبری در هرات با یادآوری از اهمیت اقتصادی و اجتماعی پروژه‌ی تاپی افزود که نقش این پروژه در آوردن صلح منطقه‌ای هم پر رنگ است.

خانم نهن تصریح کرد: «انتظار می‌رود دیپلمات‌های کشورهای منطقه و به خصوص پاکستان نگاه واقع بینانه‌تری به تاپی داشته باشند.»

محمدآصف رحیمی، والی هرات هم در سخنانی گفت که پنج شرکت قراردادکننده با پروژه‌ی تاپی، به علاوه‌ی هرات در ولایت‌های فراه، نیمروز، هلمند و قندهار از ۳۰ درصد تا ۹۰ درصد کارهای خود را پیش برده‌اند.

آقای رحیمی اظهار امیدواری کرد که برنامه‌های مقدماتی تا آخر



آسان جواز

د ثبت مرکزی اداره د خصوصي سکتور څخه د ملاتړ په موخه د جوازونو د ورکړې په پروسه کې د پام وړ اصلاحات رامنځ ته کړي دي. د تشبث د جوازونو د صدور، نوي کولو او تغيرولو د پروسې موده له څو ورځو څخه يوازې څو محدودو ساعتونو ته را لنډه شوې ده.

په کابل او ولایتونو کې «د ثبت مرکزی اداره» دفترونو ته په مراجعې سره کولای شئ، تر یوه چتر لاندې د جواز ترلاسه کولو له چټکو خدماتو څخه ګټه واخلي.

د تشبث لپاره د جواز اخیستو لګښت څومره دی؟

د جواز ډول	نوي جواز (پوکلن / افغانی)	د جواز نوي کول (پوکلن / افغانی)
انفرادي	۱۰۰	۱۴,۵۰۰
شراکت	۱۰۰	۱۴,۵۰۰

د تشبث جواز د صدور له تېرې څخه تریو کال پورې اعتبار لري. د تشبث د غوښتنې په اساس، جواز تر دوه یا دريو کلونو پورې د نوي کیدو وړ دی.

د جواز ورکولو واحد مرجع د جواز د ورکړې چټک او موثر خدمتونه

1011 acbr.gov.af

مرکزي دفتر، د حضورې چمن ختیغ لوری، کابل

طالبان از صلح چیزی به دست نمی‌آورند

مردانی که قهرمانانه دفاع کردند

ویزای ایران، تجارتی پر سود در «بازار سیاه» هرات



حدود ۸ هزار متقاضی در کانکور غزنی شرکت کردند

۸ صبح، کابل: مسئولان وزارت تحصیلات عالی می‌گویند آزمون ورود به دانشگاه در ولایت غزنی به گونه‌ی موفقیت‌آمیز برگزار شد. در این دور کانکور غزنی، حدود ۸ هزار متقاضی شرکت کرده‌اند.

کانکور غزنی روز چهارشنبه آغاز و روز جمعه (۱۱ جوزا) پایان یافت. مهم‌ترین مشکل روبه‌روی برگزاری کانکور غزنی نگرانی‌های امنیتی بود. به این دلیل که از مجموع ۱۸ ولسوالی این ولایت، در ۱۵ ولسوالی ناامنی وجود دارد. با این وجود ضیا ساحل، سخنگوی وزارت تحصیلات عالی به روزنامه‌ی ۸ صبح گفت که این وزارت در هماهنگی با نهادهای امنیتی فرصت مساعدی را برای برگزاری برگزاری کانکور این ولایت فراهم کرده است. به گفته‌ی وی، ۷۹۰۰ متقاضی از ۱۸ ولسوالی غزنی توانستند امتحان‌شان را سپری کنند.

امارات متحده‌ی عربی کارگران افغان را استخدام می‌کند

۸ صبح، کابل: خبرگزاری رسمی امارات متحده‌ی عرب موسوم به WAM گزارش داده است که تفاهم‌نامه‌ی ایجاد زمینه‌ی استخدام کارگران افغان در امارات روز چهارشنبه میان مقامات دو کشور افغانستان و امارات در کنفرانس بین‌المللی کارگر در ژنیف، پایتخت سویس امضا شد.

ناصر بن ثانی آل هملی، وزیر منابع بشری امارات متحده‌ی عرب گفته است: این تفاهم‌نامه، وضعیت قراردادهای موقتی کارگران افغان مستقر در امارات متحده‌ی عرب را بر اساس منافع دو کشور بهبود خواهد بخشید.

از سویی هم فیض‌الله ذکی، وزیر کار امور اجتماعی کشور نیز از اقدامات امارات متحده‌ی عرب مبنی بر ایجاد قوانین و مقررات آن کشور که از حقوق کارگران به شمول کارگران افغانستان حراست می‌کند، ستایش کرده است.

قرار است پس از امضای این تفاهم‌نامه، دو کشور

۴ عضو یک خانواده در عملیات نیروهای افغان در ننگرهار کشته شدند

بردارزاده‌ی پیر مرد کشته و دو طفل این خانواده مجروح شدند.

به نقل از صدای امریکا عبدالوهاب، ولسوال بیتی کوت این ولایت، چهار عضو یک خانواده کشته شده‌اند.

او گفته که نیروهای خاص افغان بر یک منزل مسکونی حمله کردند و در نتیجه‌ی آن چهار عضو یک خانواده کشته شدند.

این حمله در شب ۱۰ جوزا در منطقه‌ی جانی خیل ولسوالی بیتی کوت، در عملیات قطعه‌ی ۰۲ انجام شده است. در نتیجه‌ی این حمله چهار عضو یک خانواده شامل یک پیر مرد، دو پسر و یک

سادات بامیان علیه بانوی نخست تظاهرات کردند

۸ صبح، کابل: شماری از جوانان و بزرگان قوم سادات با برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیزی در مرکز ولایت بامیان، اظهارات اخیر رولا غنی بانوی نخست کشور درباره‌ی قوم سادات را محکوم کرده و از خانم غنی خواستند از آن‌ها معذرت‌خواهی کنند.

رولا غنی، بانوی نخست کشور اخیراً در گفت‌وگو با «طلوع‌نیوز» گفت که سادات قوم نیست، بلکه طبقه‌ای اجتماعی‌ای در میان سایر اقوام است.

یک رویداد ترافیکی در شاهراه کابل - قندهار جان ۶ تن را گرفت

۸ صبح، کابل: در نتیجه‌ی یک رویداد ترافیکی در شاهراه کابل - قندهار و در ولسوالی دامان قندهار در روز جمعه (۱۱ جوزا)، پنج تن کشته شدند. این رویداد زمانی اتفاق افتاد که یک موتر مسافربری ۴۰۴ با موتر سراچه تصادم کرد. در نتیجه‌ی این تصادم همگی سرنشینان سراچه جان باختند.

مسئولان محلی قندهار گفته‌اند با آن‌که موتر ۴۰۴ مسافربری نیز در این رویداد واژگون شده، به سرنشینانش آسیبی نرسیده است. دلیل این رویداد، خرابی جاده و بی‌توجهی راننده‌گان خوانده شده است. از فعالیت‌ها و رفت‌وآمد موترها در شاهراه کمتر نظارت می‌شود، به نظر می‌رسد که ترافیک شاهراه در پی عملی‌ساختن مقررات و قوانین ترافیکی نیست و راننده‌گان توجه چندانی به امنیت مسافران ندارند.

یک نماینده‌ی بدخشان در مجلس: حکومت در «قیام» مردم دره‌ی منجان همکاری نکرد

۸ صبح، کابل: زلمی مجددی، نماینده‌ی مردم بدخشان در مجلس نماینده‌گان که روز جمعه (۱۱ جوزا) در یک نشست خبری در کابل صحبت می‌کرد، گفت با آن که مردم دره‌ی منجان در تازه‌ترین قیام اعضای گروه‌های تروریستی را دست‌گیر و دره‌ی منجان را آزاد کرده‌اند، نهادهای امنیتی با مردم همکاری نکرده است.

او گفت: «دره‌ی منجان ولسوالی کران و منجان، از چندین سال به این‌طرف معبر امن رفت‌وآمد تروریستان خارجی بود. تروریستان از طریق پاکستان و نورستان می‌آمدند و به سمت شمال از همین مسیر می‌گذشتند. به همین دلیل مردم از این تروریستان خارجی و فردی به نام ملا ملک که مسئول تأمین امنیت تروریستان خارجی است، به تکلیف بودند و تصمیم گرفتند علیه آنان قیام کنند.»

این عضو مجلس یادآور شد که بیشتر از ۱۰۰ نفر در این خیزش مردمی شرکت کردند و بیش از ۶۰۰ نفر دیگر در این دره آماده‌ی حمایت از دولت هستند. به قول او: «دولت بسیار با مصرف کم می‌تواند مرزهای بدخشان و توپخانه‌ها را اخفا و مسیر عبور دشمن به شمال را ببندد.»

آقای مجددی همچنان تأکید کرد که اگر این مسیر بسته شود، به زودی ولسوالی‌های وردوج و یمگان آزاد می‌شود و دولت باید از خود تحرک نشان دهد و در بازپس‌گیری ولسوالی‌های یمگان و وردوج و مناطق در کشم، راغستان، کوهستان و دره‌ی خرسک که پایگاه اساسی داعش است، اقدام کند.



حکومت آلمان نتیجه‌ی ارزیابی امنیتی افغانستان را به اداره‌ی مهاجرت سپرد

وزارت خارجه‌ی آلمان اعلام کرده است که «گزارش وضعیت پناهنده‌گی از افغانستان» را تمام کرده و به ادارات مربوطه سپرده است، اما این گزارش محرمانه طبقه‌بندی شده است.

از این گزارش به عنوان مبنایی در تصمیم‌گیری روی تقاضاهای پناهنده‌گی افغان‌ها استفاده می‌شود.

از مدت‌ها پیش انتظار می‌رفت که وزارت خارجه‌ی آلمان در مورد وضع امنیتی افغانستان گزارش خود را ارائه کند تا مقامات، در روشنایی آن روی تقاضاهای پناهنده‌گی افغان‌ها تصمیم بگیرند.

به نقل از دویچه وله، قرار است روز سه شنبه دور جدیدی از اخراج‌های جمعی پناهجویان افغان از آلمان اجرا شود. سازمان‌های حامی پناهجویان با توجه به حمله‌ی روز یکشنبه در کابل از این دور اخراج پناهجویان شدیداً انتقاد کرده‌اند. حمله‌ی یکشنبه جان نزدیک به ۷۰ نفر را گرفته بود.

وزارت خارجه‌ی آلمان در برلین روز جمعه اعلام کرد که این گزارش تکمیل شده، اما محرمانه می‌ماند و محتوای آن نشر نشده است. این گزارش وضع امنیتی فعلی افغانستان را نیز ارزیابی کرده است.

اداره‌های مسئول مهاجرت و پناهنده‌گی بر اساس این گزارش تصمیم می‌گیرند که آیا یک پناهجوی افغان مستحق حفاظت یا پناهنده‌گی است یا نه و بازگشت مهاجران در چه مواردی و به کدام مناطق افغانستان ممکن است.

سازمان‌های حامی پناهجویان و نماینده‌گان کلیساها از مدت‌ها پیش به این سو گفته‌اند که با وضع فعلی امنیتی در افغانستان، هیچ مهاجر پذیرفته نشده‌ی افغان نباید به کشورش اخراج شود.

کمیسیون مستقل انتخابات:

از ۵۳۷۶ نامزد احتمالاً تنها ۶۴ تن شرایط را پوره کرده‌اند

نیما دانشور

مسئولان کمیسیون مستقل انتخابات می‌گویند با آن که نزدیک به پنج و نیم هزار نفر از زمان شروع روند ثبت نام تا پایان هفته‌ی گذشته (پنج شنبه، ۱۰ جوزا) به عنوان نامزدان احتمالی انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی پیش رو، فوراً ثبت نام دریافت کرده‌اند، اما از میان آن‌ها تا کنون تنها ۶۴ نفر توانسته‌اند شرایط را تکمیل و به عنوان نامزد رسمی نام‌شان را در این کمیسیون ثبت کنند. حفیظ‌الله هاشمی، از کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات به روزنامه‌ی ۸ صبح گفت از این میان ۵۱ نفر به عنوان نامزدان انتخابات مجلس نماینده‌گان نزد کمیسیون ثبت شده‌اند. بیشترین شمار نامزدان از ولایت کابل و پکتیکا به ثبت رسیده است. کابل با ۳۷ کاندید (۳۰ مرد و ۷ زن) در راس این لیست قرار دارد.

۲۲۶۳ نامزد احتمالی مجلس نماینده‌گان

از سویی هم حفیظ‌الله هاشمی، از کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات گفت که در سراسر کشور تا پایان روز پنج شنبه (۱۰ جوزا)، ۲۲۶۳ تن (۱۹۵۹ مرد و ۳۰۴ زن) فوراً ثبت نام را به عنوان نامزدان احتمالی انتخابات مجلس نماینده‌گان دریافت کرده‌اند.

آماری که از سوی کمیسیون مستقل انتخابات در اختیار روزنامه‌ی ۸ صبح قرار گرفته، نشان می‌دهد که بیشترین افراد در ولایت کابل، فوراً ثبت نام را به دست آورده‌اند. در این کابل ۷۶۵ تن فوراً دریافت کرده که ۶۷۳ تن آن را

مردان و ۹۵ تن دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. پس از کابل، ولایت بلخ با داشتن ۲۶۰ نامزد احتمالی (۲۱۱ مرد و ۴۹ زن) در جایگاه دوم، هرات با داشتن ۱۱۲ نامزد احتمالی (۹۵ مرد و ۱۷ زن) در جایگاه سوم، ننگرهار با داشتن ۱۰۷ نامزد احتمالی (۹۶ مرد و ۱۱ زن) و کندهار با داشتن ۱۰۵ نامزد احتمالی (۹۶ مرد و ۹ زن) در رده‌های بعدی قرار دارند.

از سویی هم تا کنون در ولایت غزنی به دلیل بسته بودن مراکز ثبت نام، هیچ نامزدی فوراً ثبت نام دریافت نکرده است.

۳۰۴۹ نامزد احتمالی شوراهای ولسوالی‌ها

آمارهای کمیسیون مستقل انتخابات نشان می‌دهد که تا پایان روز پنج شنبه (۱۰ جوزا) ۳۰۴۹ تن برای شرکت در انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها فوراً ثبت نام دریافت کرده‌اند. از این میان، ۲۹۷۰ تن آن‌ها را مردان و ۷۹ تن دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. از این میان اما تنها ۱۳ نفر تا کنون توانسته‌اند شرایط را تکمیل کنند و از سوی کمیسیون انتخابات به عنوان کاندید برای انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها شناخته شود.

ولایت کنر با داشتن ۴۶۵ نامزد احتمالی در این بخش در جایگاه نخست ایستاده است. همه‌ی نامزدان این ولایت نیز مردان اند. کابل با داشتن ۳۹۸ نامزد احتمالی (۳۸۷ مرد و ۱۱ زن) در جایگاه دوم، ولایت بلخ با ۲۳۸ نامزد احتمالی

حدود ۱۲۰۰ مرکز ثبت نام در سراسر کشور به دلایل مختلف مسدود اند و زمینه‌های اشتراک مردم در روند ثبت نام تا کنون فراهم نشده، این موضوع نامزدان احتمالی را با چالش جمع‌آوری شناسنامه‌های برچسب‌دار روبه‌رو کرده است.

آیا نامزدان احتمالی دچار ریزش می‌شوند؟

در حالی که کمتر از یک هفته تا پایان مهلت ثبت نام نامزدان برای انتخابات مجلس نماینده‌گان و شوراهای ولسوالی‌ها باقی مانده، پرسش این است که آیا نامزدان احتمالی باقی‌مانده در این فرصت، قادر خواهند بود که شرایط را تکمیل و خودشان را به عنوان کاندید نزد کمیسیون به ثبت برسانند؟

یوسف رشید، رییس اجرایی فیفا می‌گوید با آن که ممکن است در روزهای آینده نامزدان زیادی بتوانند شرایط را تکمیل کنند و به عنوان کاندید از سوی کمیسیون انتخابات شناخته شوند، اما نبود آگاهی‌دهی دقیق از سوی کمیسیون انتخابات و همچنان بسته‌بودن بسیاری از مراکز ثبت نام در ولایت‌ها و ولسوالی‌ها باعث شده که نامزدان زیادی با چالش روبه‌رو شوند.

او گفت که بسیاری از کاندیدان هنگام اخذ فوراً معلومات کافی ندارند و به همین دلیل تا تکمیل کردن شرایط نامزادی به فرصت بیشتری نیاز دارند. او همچنان گفت که به خاطر بسته بودن مراکز ثبت نام و به دلیل این که کاندیدان نتوانند یک هزار شناسنامه‌ی برچسب‌دار را تهیه کنند نیز ممکن است که شماری از نامزدان احتمالی کمتر شوند.

این در حالی است که ثبت نام نامزدان انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها به روز یکشنبه (۲۶ ماه می میلادی) آغاز شد. این ثبت نام مطابق قانون ۱۲ روز ادامه می‌یابد. انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها قرار است به تاریخ ۲۰ اکتوبر امسال برگزار شود.

(۲۳۳ مرد و ۵ زن)، ننگرهار با داشتن ۱۹۴ نامزد احتمالی (۱۹۳ مرد و یک زن) و پروان با ۱۹۰ نامزد احتمالی در انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها در رده‌های بعدی قرار دارند. به نظر می‌رسد که شرایط نسبتاً دشوار برای ثبت نام نامزدان انتخابات باعث شده که افراد نام‌برده توفیق چندانی در قسمت تکمیلی این شرایط نداشته باشند. بر اساس قانون انتخابات که در سال ۲۰۱۶ و بر اساس یک فرمان تقنینی رییس جمهور توشیح شده، شخصی می‌تواند در انتخابات مجلس نماینده‌گان نامزد شود که فارغ صنف دوازدهم باشد و در زمان ثبت نام سن ۲۵ ساله‌گی را تکمیل کرده باشد.

متقاضی باید در کنار تکمیل اسناد مورد نیاز، فهرست اسامی، شماره‌ی کارت ثبت نام و نشان انگشت یک هزار رأی‌دهنده را به کمیسیون انتخابات ارائه دهد. این میزان برای نامزد کوچی‌ها نیز فهرست یک هزار رأی‌دهنده است، اما برای اهل هنود و سیک، فهرست دو صد رأی‌دهنده نیاز است.

از سویی هم برای نامزدی شورای ولسوالی، متقاضی باید در کنار تکمیل اسناد مورد نیاز، با در نظر داشت نفوس حسب احوال ولسوالی، فهرست اسامی، شماره‌ی کارت ثبت نام و نشان انگشت یک صد تا سه صد رأی‌دهنده را به کمیسیون انتخابات ارائه دهد.

با این حال، به نظر می‌رسد از آن جایی که تا کنون نیز

چون به گفته‌ی او، ساعت مشخصی برای باز شدن سایت و تهیه‌ی فوراً ثبت نام ویزا وجود ندارد. او می‌گوید: «از ساعت ۱ شب گذشته منتظر باز شدن سایت هستم و حالا احساس خستگی دارم.»

واکنش کنسول‌گری به «بازار سیاه»

مسئولان کنسول‌گری ایران در هرات هم به بازار سیاه تهیه‌ی فوراً ثبت نام ویزای این کشور واکنش نشان داده و از مقامات دولتی خواسته‌اند که برای حل این مسئله اقدام جدی روی دست گیرند.

محمود افخمی رشیدی، سرکنسول ایران در گفت‌وگویی با خبرگزاری «افغان ایرکا» که نزدیک به دو ماه پیش انجام شده، گفته بود که گزارش‌هایی در مورد اضافه‌ستانی برخی از عکاسی‌ها و کافی‌نت‌ها به آنان رسیده و به همین خاطر از مردم می‌خواهد که بابت تهیه‌ی فوراً ثبت نام، چنین هزینه‌هایی را پرداخت نکنند.

به نقل از خبرگزاری ایرکا، آقای افخمی این مسئله را بامسئولان ارشد دولتی ولایت هرات هم در میان گذاشته و از آنان خواسته که مانع اقدام افراد «سودجو» در روند تهیه‌ی فوراً ویزا شوند.

کنسول‌گری ایران در هرات بالاترین میزان صدور ویزا را در میان نماینده‌گی‌های مقیم دیگر ولایت‌های کشور دارد و روزانه تا مرز ۷۰۰ ویزای سیاحتی، تجارتی، ترانزیتی و درمانی صادر می‌کند.

به باور مردم اگر به میزان صدور ویزای سیاحتی به ایران از طرف کنسول‌گری افزوده شود، امکان دارد که بازار سیاه

می‌شود. آقای عثمانی افزود که بنا بر شلوغی و تقاضای بالا نتوانسته کسی را ثبت نام کند و اگر همین روند ادامه داشته باشد، مجبور به بستن دکان و تغییر کسب‌وکار می‌شود.

یافته‌های من اما حکایت دیگری از این داستان دارد. به استناد اطلاعاتی که یکی از منابع آگاه در کنسول‌گری ایران در دسترس من قرار داده، «عکاسی عبدالله» در دو هفته توانسته ۲۷۳ فوراً درخواست ویزا را در سایت کنسول‌گری ایران ثبت کند. اطلاعات نشان می‌دهد که «عکاسی روید امینی» مقابل کنسول‌گری ایران در دو هفته ۲۹۳ فوراً را ثبت کرده است. این مورد، بلندترین رقم ثبت شده در دو هفته است.

با یک حساب سرانگشتی می‌توان به درآمد بالای این عکاسی‌ها پی برد. اگر به گونه‌ی اوسط «عکاسی روید امینی»، از هر نفر دو هزار افغانی تقاضا کرده باشد، توانسته در دو هفته ۵۸۶ هزار افغانی به جیب بزند.

«کمیشین کاران» ویزا برای عکاسی‌ها

یافته‌های روزنامه‌ی ۸ صبح نشان می‌دهد که عکاسان به تنهایی درگیر این رقابت نفس‌گیر و درآمدزا نیستند، بلکه افراد دیگری را هم برای ثبت فوراً ویزا اجیر کرده‌اند. مجتبا محمدی، از جوانانی که تازه از رشته‌ی اداره عامه‌ی دانشگاه دولتی این ولایت فارغ شده، در صحبت با ۸ صبح گفت که از فرط بی‌کاری به جمع کسانی پیوسته که به طور آزاد برای عکاسان کار می‌کنند.

او افزود که جوانان در این زمینه مشغول کار اند و حتا به گونه‌ی مافیایی وارد این روند شده‌اند. مجتبا می‌گوید از هر فورهای برای دریافت ویزا در سایت کنسول‌گری ثبت می‌کند، ۵۰۰ افغانی از طرف کسی که با او قرارداد کاری بسته است، دریافت می‌کند اما نفر اصلی بسته به توافق با مشتری تا مرز پنج هزار افغانی هم از متقاضی طلب می‌کند.

مجتبا از روزهای اول آغاز کار خاطره‌ی خوشی ندارد، چون به قول خودش پیدا کردن روش مناسب، «بسته‌گی به ذهن و ذکاوت بالا داشت.» او با اشاره به میزان تجربه‌ای که کسب کرده، می‌گوید: «این کار روش‌های خاص خودش را دارد و کسی در این زمینه موفق‌تر می‌درخشد که در کنار سرعت عمل و تجربه‌ی کافی، زمان دقیق باز شدن سایت را هم بداند.»

مجتبا همچنان این وظیفه را «استرس‌زا» توصیف می‌کند،

ویزای ایران، تجارتی پر سود در «بازار سیاه» هرات

سیدحسن حسینی

این روزها در هرات افزون‌ستانی عکاس‌ها برای تهیه‌ی فوراً ویزای ایران از طریق سایت این کشور غوغا برپا کرده است. بسیاری از کسانی که به قصد کار، سیاحت و یا درمان بیماری قصد سفر به ایران را دارند، با مراجعه به عکاسی‌های مقابل کنسول‌گری جمهوری اسلامی ایران در این ولایت با قیمت‌های سرسام‌آوری برای تهیه‌ی فوراً اینترنتی روبه‌رو می‌شوند.

اتحادیه‌ی عکاسان هرات برای ثبت نام فوراً درخواست ویزای ایران ۱۵۰ افغانی تعیین کرده است، اما گزارشگر ۸ صبح به مواردی برخورده که مردم تا مرز چهار هزار افغانی هم برای ثبت فوراً ویزا پرداخته‌اند.

برای یافتن چند و چون قضیه، به گونه‌ی سری به صف طولیل و شلوغ دریافت ویزای ایران مقابل دروازه کنسول‌گری این کشور در هرات زدم.

در گرم‌گرم ظهر روز چهارشنبه‌ی هفته گذشته با علی‌احمد جلیلی، یکی از ساکنان هرات که عازم ایران بود، در صف دریافت ویزا صحبت کردم. او با اشاره به عکاسی‌های مقابل کنسول‌گری ایران در هرات، یکی را برایم نشان داد و گفت: «همان عکاسی از من چهار هزار افغانی برای ثبت نام ویزا درخواست کرد و مجبور شدم این پول را پرداخت کنم.»

دست کم ۸۰ عکاسی مقابل کنسول‌گری ایران وجود دارد. با دور شدن از علی‌احمد، سراغ عکاسی مذکور رفتم اما صاحب دکان از مصاحبه با من امتناع کرد.

علی‌احمد تنها کسی نیست که این روزها در هرات به مشکل تهیه‌ی فوراً اینترنتی برای دریافت ویزای ایران برمی‌خورد. عکاسان مقابل کنسول‌گری و هر کسی که در این کار سر رشته دارد، تقریباً بیشتر مراجعه‌کننده‌گان را مجبور به پرداخت هزینه‌ی هنگفت برای تهیه‌ی فوراً ویزا می‌کنند.

به گونه‌ی کاملاً اتفاقی و بدون پیش‌بینی قبلی، به عکاسی «عبدالله» در ردیف سایر عکاسی‌های مقابل کنسول‌گری رفتم. عبدالله عثمانی، صاحب عکاسی برایم گفت که ثبت درخواست برای ویزه‌ی سیاحتی ایران در روزهای اخیر برایش مقدور نیست. او افزود که کنسول‌گری ایران با شروع ماه رمضان، از ساعت ۸ صبح سایت را برای ثبت فوراً ویزا باز می‌کند، اما در عرض چند دقیقه، میزان پذیرش به حد کافی رسیده و سایت مجدداً تا شروع دوباره مسدود



مردانے کہ قهرمانانہ دفاع کردند

نویسنده: بهار مهر، مشاور ارتباطات استراتژیک وزارت امور داخله



حوالی ساعت ۱۲:۳۰ روز چهارشنبه ۳۰ می ۲۰۱۸، ده مهاجم مجهز به سلاح‌های سبک و سنگین و واسکت‌های انتحاری سوار بر دو عراده واسطه‌ی زرهی با عبور از چند ایست بازرسی مناطق شمال غربی پایتخت، خود را به نزدیکی قراول اول وزارت امور داخله در سرک غربی میدان هوایی کابل رساندند.

در مورد این که مهاجمین چگونه توانستند تا این نقطه‌ی حساس شهر برسند، تحقیقات جریان دارد و عجلتاً به آن نمی‌پردازم، اما آنچه که پس از آن رخ داد در خور اهمیت است. با توجه به اطلاعاتی که از قبل در مورد تهدیدات احتمالی در حلقه‌ی امنیتی پیوسته مبادله می‌شود، منسوبین پولیس قرارگاه وزارت امور داخله در این روز در احضارات به سر می‌بردند، تدابیر و تحکیمات لازم نیز از قبل در این زمینه وجود داشت. از این رو وقتی مهاجمین به اولین ایست بازرسی می‌رسند، کارت‌های جعلی هویت و لباس‌های غیر معمول آن‌ها (که شبیه یونیفورم سابق نیروهای بین‌المللی به نظر می‌رسید) از سوی سربازان و افسران توظیف شده در این ایست، شناسایی می‌شود. در همین هنگام مهاجمین که خود را در تله می‌یابند، با پیاده شدن از واسطه‌ها به تیراندازی آغاز می‌کنند. مهاجمین با استفاده از اولین انتحاری به جاده‌ی منتهی به اولین درب ورودی وزارت

پیش می‌روند. در جاده‌ی منتهی به درب ورودی وزارت امور داخله چندین نقطه‌ی حاکم و برج‌های مشرف بر جاده، برای حالات این چنین پیش‌بینی شده است، موانع در خود این جاده به صورت زیگزاگ قرار گرفته و کمره‌های امنیتی تمام ساحه را به صورت شبانه‌روزی زیر نظر دارد. طول این جاده که به صورت تخمینی ۵۰۰ متر است، اسفالت شده و در دو موقعیت، تانک‌های زرهی نوع هاموی قرار گرفته است. با این اوصاف، نویسنده این جاده را «دهلیز مرگ ترویستان» می‌نامد.

فرمانده محمدطیب قاسمی، رییس ارکان قرارگاه وزارت امور داخله اولین فرد در قدمه‌ی رهبری قرارگاه وزارت است که به صحنه‌ی درگیری می‌رسد، او با مشاهده‌ی اوضاع، سوق و اداره‌ی نیروها را به دست می‌گیرد و با توظیف فرمانده ثنا الله کریمی، قوماندان تولی اول قرارگاه در راس نیروهای پولیس قرارگاه به ضد حمله آغاز می‌کنند.

پس از نیم ساعت درگیری فرمانده ثناالله تصمیم می‌گیرد که با یک واحد سه نفری و با واسطه‌ی هاموی به مصاف ترویستان برود، او علی‌رغم ممانعت همکارانش با شجاعت بی‌نظیر تانک را در میان مهاجمین انتحاری می‌راند و در دم سه تن آن‌ها را به هلاکت می‌رساند. اما مرمی به او و راننده‌اش «مبین» اصابت می‌کند و آن‌ها متوقف می‌شوند. در این هنگام، اجمل فایض، فرمانده قرارگاه با نیروهای اضافی از عقب دهلیز مرگ ترویستان سر می‌رسد و ۷ تروریست باقی مانده در زیر رگبار هدفمند نیروهای پولیس، توان هر گونه تحرک را از دست می‌دهند.

فرمانده اجمل فایض که سال‌ها فرماندهی قطعات خاص پولیس ملی را به عهده داشته می‌گوید: «ما در مساعی مشترک با سایر واحدهای نیروهای دفاعی و امنیتی به دشمن فرصت سر بلند کردن ندادیم، هماهنگی میان ما عالی بود و دشمن در کمتر از ۵۰ دقیقه در «دهلیز مرگ» نابود شدند.»

آنچه در نبرد سخت و تقریباً نبرد تن‌به‌تن نیروهای پولیس با مهاجمین اتفاق افتاد و سرکوب سریع و به موقع تروریستان را بدون هیچ مبالغه‌ای می‌توان پای مردانی حساب کرد که قهرمانانه ایستادند و دفاع کردند. فرمانده اجمل فایض، طیب قاسمی، ثنا الله کریمی، نورآغا و سربازان دلیر آن‌ها با تدبیر عالی، توانایی رزمی و شجاعت بی‌نظیر یکی از مهم‌ترین تأسیسات امنیتی افغانستان را که اسناد مهم، طبقه‌بندی‌شده و معلومات با ارزش میلیون‌ها شهروند در آن ذخیره و نگهداری می‌شود، بدون هیچ تلفات انسانی محافظت کردند. میلیاردها افغانی سرمایه‌ی متعلق به مردم و پولیس را نجات دادند و از ریختن خون انسان‌های بی‌شماری در ماه رمضان جلوگیری کردند. این‌ها قهرمان‌های زنده‌ی پولیس اند و الگویی برای شهامت، تدبیر و مبارزه برای هم‌سنگران و هم‌قطاران خود در نبرد علیه تروریستان؛ نبردی که تا محو کامل تروریستان، حفظ ارزش‌های دموکراتیک، نظام مردم‌سالار و بقای افغانستان آزاد و سربلند ادامه خواهد داشت.



طالبان از صلح چیزی به دست نمی‌آورند

عزیز منصف

باشد. پاکستان همواره خود را از ناحیه‌ی تمامیت ارضی اش آسیب‌پذیر احساس کرده و حکومت‌های افغانستان به طور پیوسته از همین ناحیه بر اسلام‌آباد فشار وارد کرده‌اند.

به طور عمومی باید گفت که هنوز فضای سیاسی و نظامی برای گفت‌وگوهای جدی میان دولت و طالبان مساعد نشده است. حکومت هنوز توانایی لازم برای به چالش کشیدن قدرت طالبان در مناطق تحت کنترل‌شان را ندارد. در دو سال گذشته بر میزان ساحات تحت نفوذ طالبان افزوده شده است و حکومت هنوز هم در یک موضع دفاعی قرار دارد. برخی از شهرهای مهم چون قندوز و فراه با وجود آسیب‌پذیری و خطر سقوط از سوی حکومت محافظت درست نمی‌شود. سقوط شهرها نتیجه‌ی فساد سیاسی و مالی در سطح رهبری ولایتی و نازل‌موده‌گی و بی‌باوری سربازان خط اول جبهه به جنگ علیه طالبان است. مناسبات قومی و خیشاوندی، فساد در قوای امنیتی، فساد مالی مقامات ولایاتی و دیگر مسائل خورد بزرگ دست طالبان را برای حمله و سقوط برخی از شهرها باز کرده است. جالب این‌جاست که بعد از سقوط یک شهر حکومت هیچ اطلاعاتی را در اختیار عمومی قرار نمی‌دهد که با مقامات و فرماندهانی که از فرط بی‌کفایتی و علی‌رغم آگاهی قبلی از سطح خطرات نسبت به شهرهای تحت کنترل‌شان از سقوط آن جلوگیری کرده نتوانسته‌اند، چه برخوردی کرده است. آنچه را که تا حال شاهد آن بوده‌ایم، معافیت مقامات ملکی و نظامی از بازپرسی به خاطر نداشتن توانایی در اجرای وظایف محوله‌ی‌شان است. همین وضعیت نظامی و سیاسی افغانستان را پیچیده ساخته است.

از جانب دیگر، تصور بسیاری از تحلیل‌گران داخلی اوضاع افغانستان این است که طالبان در حال حاضر هیچ نفعی در ختم جنگ ندارند. به لحاظ اعتقادی نظام سیاسی کنونی با باورها و رفتارهای دلخواه مذهبی و اجتماعی‌شان همخوان نیست؛ معلوم نیست که اگر طالبان وارد روندهای سیاسی مانند انتخابات شوند، آیا قدرت و محبوبیت خود را در میان مردم حفظ خواهند کرد؟ آیا حکومت و نیروهای سیاسی دیگر آن‌ها را به حاشیه نخواهند راند؟

همچنان جنگ طالبان تنها بر محور اعتقاد و یا کسب قدرت سیاسی نمی‌چرخد؛ جنگ یک ماشین اقتصادی نیز است که میلیون‌ها دالر را از ناحیه‌ی کمک‌های بیرونی، کشت کوکنار و تجارت مواد مخدر، استخراج غیر قانون منابع معدنی و اخاذی از شرکت‌ها و پروژه‌ها به دست می‌آورند. در شرایط صلح، چنین منابع سرشار و پایان‌ناپذیر مالی نصیب قومندانان طالب نمی‌شود.

از سوی دیگر، در حکومت هیچ اعتقادی به پیروزی بر طالبان دیده نمی‌شود. از این رو، بخشی از مقامات دولتی از همین اکنون از امتیاز دادن و همکاری با طالبان دریغ نمی‌ورزند که اگر فردا نظام کنونی تغییر کرد، در میان طالبان مصونیت و جایگاهی داشته باشند. این را نیز باید افزود که برخی از مقامات دولتی به خاطر وابسته‌گی‌های قومی، اعتقادی به جنگ قاطعانه علیه طالبان ندارند و گمان می‌برند که بهتر است طالبان را از طریق امتیاز دادن و اتخاذ مشی نرم به صلح و آرامش وادار سازند. این در حالی است که طالبان به صورت بی‌رحمانه سیاست‌مداران و مخالفان سیاسی و نظامی خود را سرکوب کرده و به بدترین شکل از میان برمی‌دارند؛ زیرا اعتقاد به حقانیت‌شان برتر از هر نوع وابسته‌گی قبیلوی و قومی است.

از این رو، حکومت بدون در نظر داشت شرایط، تماس‌های خود را با رده‌های میانی طالبان ادامه می‌دهد تا سرانجام بر حسب تصادف نظرات شورای کویت و قطر تغییر یافته و همانند حزب اسلامی راه ادغام در نظام سیاسی را در پیش گیرند. اگر این روند ادامه پیدا کند، جنگ فعلی با شدت و خشونت کنونی خود ادامه خواهد یافت.

فرمانده نیروهای خارجی در افغانستان می‌گوید که نماینده‌گان دولت و طالبان وارد گفت‌وگوی مخفی شده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی جنرال جان نیکلسون، فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان گفته است که گروه طالبان و مقام‌های افغان در حال گفت‌وگوی سری برای برقراری آتش‌بس احتمالی هستند. این مقام ارشد امریکایی در گفت‌وگو با خبرنگاران مستقر در پنتاگون، وزارت دفاع امریکا گفته است که مقام‌های ارشد و رده‌میانی طالبان در این مذاکرات شرکت دارند. طبقاً آتش‌بس در آستانه‌ی انتخابات پارلمانی به نفع حکومت است تا انتخابات در مناطقی تحت کنترل طالبان برگزار شده بتواند. از گفته‌های آقای نیکلسون پیداست که ماهیت مذاکرات محدود است، ولی اگر واقعاً چنین گفت‌وگوهایی ادامه پیدا کند، نشانه‌ی خوبی است؛ یعنی دست کم گروه طالبان حاضر است با حکومت روی موضوعاتی صحبت کرده و به این ترتیب، گام‌به‌گام اهمیت راهکار سیاسی برای حل اختلافات را درک کرده‌اند.

اشاره‌ی آقای نیکلسون به شرکت «مقام‌های ارشد و رده‌میانی طالبان» حاکی از آن است که صحبت‌ها جنبه‌ی اعتمادسازی دارد. گفته می‌شود که شورای امنیت و ریاست امنیت ملی افغانستان با مقاماتی در میان طالبان در تماس اند و روی موضوعات صلح و اشتراک در روندهای سیاسی با هم به گفت‌وگو می‌پردازند، ولی در عین حال، فحوا‌ی کلام جنرال نیکلسون به نحوی است که گویا موضوع گفت‌وگوهای صلح میان حکومت افغانستان و طالبان واقعیت دارد. القای چنین موضوعی بدون شک از سوی فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان وجه تبلیغاتی دارد. آقای نیکلسون امیدوار بود که با فشارهای واشنگتن بر اسلام‌آباد، پیشنهادات حکومت برای گفت‌وگو با طالبان در «پروسه‌ی کابل» و افزایش حملات هوایی نیروهای خارجی بر طالبان، جنگ افغانستان در یک مسیر سیاسی قرار گرفته و نهایتاً طالبان پیوستن به حکومت را بر ادامه‌ی جنگ ترجیح بدهند، ولی با افزایش حملات نظامی و عملیات تروریستی طالبان در شهرها و رد پیشنهادات پروسه‌ی کابل، آقای نیکلسون در موقعیت دشواری قرار گرفته است. او که در آستانه‌ی رفتن از افغانستان است، نتوانست به اهداف خود برسد و وظایف دشوار خود را به فرمانده بعدی واگذار می‌کند.

در این راستا، هیأت حکومت افغانستان به شمول مشاور امنیت ملی، رییس امنیت ملی و وزیر داخله به پاکستان سفر کرد که از جانب پاکستان در سطح بالایی تحویل گرفته شد. سطح دیدار نشان می‌دهد که پاکستان دست کم به لحاظ ظواهر خود را مشتاق همکاری با حکومت افغانستان در امر تأمین صلح نشان می‌دهد. البته، پیام اردوی پاکستان به افغانستان نیز روشن بود که ادامه‌ی ادعاهای ارضی برای آنان قابل قبول نیست. جنرال باجوہ، رییس ارتش پاکستان به صراحت گفت که نباید به خاک یکدیگر چشم داشته باشیم؛ موضوعی که برای پشتون‌نیت‌های ارگ و بیرون از آن قابل قبول نیست. ولی طرح این موضوع از جانب یک مقام بلندپایه‌ی پاکستانی نشان می‌دهد که اگر افغانستان و پاکستان بخواهند اختلافات خود را حل کنند، این اختلافات شامل توافق روی صرف نظر کردن از ادعای ارضی از جانب افغانستان نیز است. ارگ در حال حاضر، مجبور است که برای حفظ مشروعیت خود در میان نیروهای فعال پشتون در مورد مسئله‌ی دیورند از خود واکنش لازم نشان بدهد. ولی از جانب دیگر، همین موضع‌گیری‌ها باعث می‌شود که بی‌اعتمادی میان کابل و اسلام‌آباد بیشتر و بیشتر شود.

آشکار است که طالبان در خدمت منافع امنیتی پاکستان قرار دارند؛ هرچند شاید به طور رسمی از خط دیورند به عنوان سرحد رسمی میان دو کشور حمایت نکنند، ولی فشار آن‌ها بر حکومت باعث می‌شود که اسلام‌آباد دست بالایی در اعمال خواسته‌های خود بر کابل داشته



جدال‌های هویت در فقدان امنیت انسانی و حقوق شهروندی

تأمین امنیت ملی و داعیه‌ی هویت ملی در غیاب امنیت انسانی و حقوق شهروندی ناممکن و ناقص است. در افغانستان به دلیل تهدیدهای امنیتی بحث امنیت ملی بر امنیت انسانی و به دلیل جدال‌های هویتی بحث هویت ملی بر حقوق شهروندی برتری یافته است.

این مقاله با شگافتن مفاهیم مذکور توضیح می‌دهد که مباحث کلان کشوری و ملی شالوده و برآیند یک روند توسعه‌ی انسانی، روان‌شناختی، عاطفی و فرهنگی است که در فقدان آن‌ها هویت ملی و امنیت ملی مفاهیم میان تپه‌ی اند. گفتمان امنیت ملی به «امنیت» به مثابه‌ی نیازهای امنیتی و اقتصادی یک ملت به عنوان مردم یکپارچه می‌نگرد؛ در حالی که امنیت انسانی، امنیت را برآورد نیازهای بنیادین افراد و مردم یک جامعه می‌پندارد. امنیت انسانی بر سه رکن اصلی استوار است: رهایی از ترس مانند ترس از مرگ و شکنجه، فراغت از نیازهای اولیه مانند آموزش و سلامت، و موضوع وقار و شأن انسانی که به مسایل فرهنگی، زبانی و هویتی می‌پردازد.

نیاز است دولت‌ها برای استحکام و دوام امنیت ملی، سیاست‌های امنیتی خویش را با ارزش‌ها و راهکارهای امنیت انسانی هم‌نوا سازند. با آن که در افغانستان تمامی زیرساخت‌های امنیت انسانی نادیده گرفته شده‌اند، ابعاد هویتی و فرهنگی آن که به وقار و شأن شهروندان تعلق دارد، از همه بیشتر از نظرها افتاده است. جدال‌های هویتی اخیر در افغانستان نشان می‌دهند که در خلای گفتمان امنیت انسانی تلاش دولت برای قرار دادن مسائل فرهنگی در چارچوب امنیت ملی و تلاش طیف‌های مختلف سیاسی برای اعاده‌ی هویت و وقار فرهنگی می‌تواند امنیت ملی را در درازمدت به چالش بکشد.

مطالبات هویتی، فرهنگی و زبانی مردم و همین‌طور حملات هول‌ناک بر طیف‌های مختلف اجتماعی به دلیل تعلق‌شان به قوم یا فرقه‌ی مذهبی خاص را نمی‌توان صرف از منظر «امنیت ملی» پاسخ گفت. به گونه‌ی مثال، حملات تروریستی بر مردم هزاره را نمی‌توان بدون در نظر داشت مسائل فرهنگی و امنیت انسانی، در زیر چتر امنیت ملی بررسی کرد. در سایه‌ی گفتمان امنیت ملی است که دولت با استدلال به این که حملات کار «دشمنان صلح و ثبات مردم افغانستان است» از رای‌زنی با مردم هزاره درباره‌ی امنیت انسانی و حقوق شهروندی آن‌ها شانه خالی می‌کند. این که شهروندان افغانستان در سرتاسر کشور قربانی تروریسم اند، واقعیت عینی است. اما هدف قرار گرفتن هزاره‌ها بنا بر تعلقات هویتی قضیه‌ی آن‌ها را از دیگران جدا کرده و بحث «امنیت هزاره» را در چارچوب «امنیت انسانی» در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌دهد. همین‌طور، اعتراض گروه‌های غیر پشتون در مورد شناسنامه‌ها امری است که مسئله‌ی امنیت انسانی و حقوق شهروندی را بالا می‌کشد. نادیده گرفتن این مسائل و گنجاندن آن‌ها صرف در چارچوب گفتمان «امنیت ملی» فاجعه‌ی حقوق بشری در افغانستان را گسترده‌تر ساخته و صدمه‌ی سنگینی بر یکپارچه‌گی مردم این کشور وارد خواهد کرد.

در هفته‌های اخیر، ندهای «در انتخابات سهم نمی‌گیریم» در اعتراض به نارسایی دولت در تأمین امنیت انسانی شهروندان از هر گوشه شنیده می‌شود. اگر اشتراک در انتخابات مشق شهروندی و تمثیل حقوق سیاسی است، تأمین امنیت انسانی و رعایت حقوق شهروندی رای‌دهنده‌گان وظیفه‌ی دولت است. حقوق شهروندی در عصر حاضر محدود به حقوق و مسئولیت‌های سیاسی-مدنی شهروندان نبوده، جنبه‌های فرهنگی، هویتی و روان‌شناختی عمیق و چندلایه دارد که به برداشت شهروند از رابطه‌اش با دولت و وقار فردی‌اش به مثابه‌ی عضو از یک جامعه‌ی سیاسی تأثیر عمیق دارد. تا زمانی که جنبه‌های سیاسی-مدنی شهروندی با ابعاد فردی، فرهنگی و روان‌شناختی شهروندی هم‌نوا نشود، تمثیل حقوق شهروندی صرف از طریق اشتراک در انتخابات به تنهایی قادر به ایجاد رابطه‌ی محکم بین شهروند، دولت و جامعه‌ی سیاسی شده نمی‌تواند.

اتکا به مشارکت در انتخابات به منزله‌ی یگانه میکانیسم تمثیل اراده‌ی شهروندی، در بهترین حالت حقوق شهروندی ناقص و ناکامل بار می‌آورد. بنابراین، برای اعاده‌ی حقوق شهروندی کامل نیاز است در کنار جنبه‌های سیاسی و مدنی شهروندی، به جنبه‌های روان‌شناختی،

حزب اسلامی:

گفت‌وگوهای سری صلح طالبان و حکومت بر اساس طرح ما جریان دارد

حسین حیدری

مقام‌های حزب اسلامی می‌گویند که بر اساس طرح پیشنهادی این حزب، گفت‌وگوهای پنهانی صلح میان حکومت افغانستان و طالبان جریان دارد. نادر افغان، سخنگوی حزب اسلامی در گفت‌وگویی با روزنامه‌ی ۸ صبح گفت: «زمانی که حزب اسلامی با حکومت افغانستان توافق کرد، این حزب طرح صلح جامعه را با حکومت افغانستان، کشورهای بین‌المللی و گروه طالبان شریک ساخت که بر اساس این طرح، یک دفتر رسمی به طالبان در پایتخت کشور داده می‌شود و هم‌چنان مناطق امن برای طالبان و خانواده‌های آنان در نظر گرفته می‌شود.»

سخنگوی حزب اسلامی تصریح کرد که منظور از واگذاری مناطق امن، واگذاری ولایات به طالبان نیست، بل جایی است که طالبان در آن از حملات زمینی و هوایی مصون اند و به صورت آزادانه در دفتر خود در مرکز کشور رفت‌وآمد می‌توانند.

سخنگوی حزب اسلامی در رابطه به آغاز گفت‌وگوهای پنهانی میان طالبان و حکومت گفت: «از روزی که حزب اسلامی به شکل رسمی در داخل افغانستان به فعالیت شروع کرده، از همان روز این میانجی‌گری جریان دارد، ولی این گفت‌وگوها گاهی آغاز و گاهی متوقف می‌شود.»

حزب اسلامی در ماه میزان سال ۱۳۹۵ به شکل رسمی به حکومت افغانستان پیوست. نقش کشورهای همسایه و جهان در گفت‌وگوهای پنهانی صلح نادر افغان، سخنگوی حزب اسلامی بر سه‌م‌گرفتن کشورهای جهان به ویژه کشورهای همسایه در گفت‌وگوهای صلح میان گروه طالبان و حکومت تأکید کرد و گفت که بدون سه‌م‌گیری آنان این پروسه موفق نمی‌شود.

آقای افغان افزود: «با کشورهای بین‌المللی و همسایه باید مشوره صورت گیرد و حمایت آنان جلب شود، کشورهای همسایه در قضایای افغانستان به شکل گسترده دخالت دارند و تا که تشویش و دغدغه‌های آنان رفع نشود، آنان روی این پروسه اعتماد نمی‌کنند، سران طالبان در کشورهای همسایه است، آنان سلاح و منابع مالی می‌دهند، آنان باید همکاری بکنند و اگر آن‌ها همکاری نکنند، پروسه تنها میان مخالفان و دولت به نتیجه نمی‌رسد.»

به قول او «ممالک سازمان ملل و امریکا هم در این پروسه شامل اند و با آنان هم مشوره می‌شود، چون اگر تمام جوانب در این گفت‌وگوها سه‌م نگیرند، به یک جانب، دو جانب مشکل جنگ و ناامنی کشور حل نمی‌شود.»

سخنگوی حزب اسلامی خاطر نشان کرد که این گفت‌وگوها زود به نتیجه نمی‌رسد و وقت‌گیر است، چون باید قناعت همه‌ی جوانب دخیل در جنگ افغانستان گرفته و آتش‌بس شود.

در همین حال جنرال جان نیکلسون، فرمانده نیروهای خارجی در افغانستان نیز تأیید کرده است که دولت افغانستان با گروه طالبان در حال گفت‌وگوی پنهانی برای برقراری آتش‌بس احتمالی هستند.

جنرال نیکلسون بیان داشته که در این گفت‌وگوها برخی کشورهای خارجی و دیپلمات‌های امریکایی هم دخیل اند.

به گفته‌ی او، مقام‌های ارشد و رده‌مییانی طالبان در این گفت‌وگوها شرکت دارند، اما به دلیل اهمیت این گفت‌وگوها، او نمی‌تواند از طالبانی که به پروسه‌ی صلح علاقه‌مند هستند، به طور مشخص نام بگیرد.

جنرال جان نیکلسون، فرمانده عمومی نیروهای خارجی در افغانستان همچنان گفته است که در این گفت‌وگوها برخی از سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌های خارجی و گروه‌های علاقه‌مند نیز شامل اند.

در همین حال شاه‌حسین مرتضوی، معاون سخنگوی ریاست جمهوری در گفت‌وگویی با ۸ صبح گفت که تلاش‌ها و گفت‌وگوهای صلح از طریق شورای عالی صلح صورت می‌گیرد.

او ادعای جان نیکلسون را در رابطه به گفت‌وگوهای پنهانی میان طالبان و دولت افغانستان نپذیرفت.

سیداحسان‌الله طاهری، سخنگوی شورای عالی صلح کشور نیز در گفت‌وگویی با روزنامه‌ی ۸ صبح گفت که آنان منتظر جواب بسته‌ی پیشنهادی صلح حکومت افغانستان هستند و هیچ گفت‌وگوی پنهانی دیگر تا حال صورت نگرفته است.

آقای طاهری افزود: «اگر [گفت‌وگو] صورت بگیرد هم در چوکات بسته‌ی پیشنهادی شورای عالی صلح است و در هیچ چوکات دیگر مورد بحث قرار نمی‌گیرد، به جز بسته‌ی پیشنهادی صلح حکومت افغانستان.»

حکومت افغانستان با ارائه‌ی نقشه‌ی جدید راه صلح با گروه طالبان، اعلام کرده که برای رسیدن به این هدف گام‌های مشخصی بر خواهد داشت.

حکومت افغانستان در دومین نشست «پروسه‌ی کابل» که با اشتراک بیش از ۲۵ کشور و سازمان بین‌المللی برگزار شده بود، طرح جدید صلح را به طالبان پیشنهاد کرد.

اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور با ارائه‌ی این نقشه‌ی جدید در دومین نشست «پروسه‌ی کابل» گفت که بازنگری قانون اساسی، شناختن گروه طالبان به عنوان یک حزب سیاسی، آزادی زندانیان و حذف نام رهبران این گروه از فهرست تحریم‌ها، صدور پاسپورت و فراهم‌سازی زمینه برای آزادی و سفر افراد طالبان از جمله‌ی این گام‌ها است.

با آن که این طرح در ماه حوت پارسال از طرف حکومت افغانستان ارائه شد، اما تا کنون گروه طالبان در مورد این طرح موضع مشخصی نگرفته است.

گفتنی است که ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان نیز روز جمعه (۱۱ جوزا) اظهارات فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان را مبنی بر گفت‌وگوی «پشت پرده» میان این گروه و مقام‌های حکومت افغانستان «قاطعانه رد» کرده است.

عاطفه‌بنیاد و فرهنگی شهروندی نیز پرداخته شود. به عبارت دیگر شهروندی روان‌شناختی (psychological citizenship)، شهروندی عاطفه‌بنیاد (affective citizenship) و شهروندی فرهنگی (cultural citizenship) به منزله‌ی ستون‌های شهروندی معاصر در تأمین امنیت انسانی و برآوردن حقوق اساسی شهروندان حیاتی اند، که در افغانستان کاملاً دست کم گرفته شده‌اند.

شهروندی روان‌شناختی در بیان ساده حالت ذهنی و ناخودآگاهانه‌ی شهروند بودن در فرد است. شهروندی روان‌شناختی به دو پرسش پایه‌ی می‌پردازد: آیا شهروند به طور ذهنی به حقوق، مسئولیت‌ها و امتیازات شهروندی خود اهمیت می‌دهد؟ آیا فرد احساس هموطنی با سایر شهروندان، یا مجموعه‌ی شهروندان دارد؟ شهروندی روان‌شناختی با هویت ملی پیوند سازگار و ناگسستنی داشته و شماری حتا آن را پیش‌شرط هویت ملی می‌دانند. به دنبال تدوین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نداشته می‌شود که اهمیت هویت ملی در مقابل «شهروندی جهانی» (global citizenship) کم‌رنگ خواهد شد، اما چنین امری اتفاق نیافتاد و رابطه‌ی افراد با «جامعه‌ی جهانی» چنان که توقع می‌رفت، متحقق نشد. به عوض آن، بحث امپریالیسم فرهنگی، مسئله‌ی حقوق مهاجران و کارگران فراملی داغ‌تر شد. این روند دوباره بحث هویت ملی را پر رنگ ساخت و به این دلیل شهروندی روان‌شناختی امروز در چارچوب هویت ملی و دولت-ملت‌ها بحث ارزنده و مهمی است. اعتراضات شهروندان افغانستان در قبال شناسنامه‌ها و روند انتخابات نشان‌دهنده‌ی آن است که رابطه‌ی ذهنی آن‌ها با دولت و گروه‌های موافق برهم خورده و در یک وضعیت «خود یا دیگر بیگانه‌انگاری» قرار گرفته است. به این مشکل نمی‌توان با انکار جنبه‌های امنیت انسانی شهروندان معترض، تنها از منظر امنیت ملی پرداخت.

رویدادهای اخیر همچنان بیان‌گر بحرانی بودن «شهروندی عاطفه‌بنیاد» در افغانستان است. شهروندی عاطفه‌بنیاد با وسعت، عمق و اثرات احساس و ادراک شهروندان نسبت به رابطه‌ی‌شان با یک جامعه‌ی سیاسی سر و کار داشته، به عواطف‌شان چون ترس، عشق، هراس، محبت، امید، و دلهره در هیأت شهروندان یک جامعه می‌پردازد. مطالعات حوزه‌ی شهروندی نشان می‌دهد که اگر شهروندان احساس خوب نسبت به حقوق خویش نداشته باشند، اهدای حقوق سیاسی و مدنی به آن‌ها متضمن شهروندی کامل نیست. به بیان دیگر، تنها اهدای حقوق شهروندی متضمن شهروندی فعال نبوده، چگونه‌گی اهدای این حقوق و بازتاب عاطفی آن در ذهن شهروندان نیز در این زمینه با اهمیت است. شیوه‌ی غالب برخورد رژیم‌های مختلف با شهروندان معترض در افغانستان به طور سنتی سکوت یا سرکوب بوده است. بی‌باوری کنونی شهروندان، به خصوص شهروندان معترض، به دولت در تأمین حقوق برابر شهروندی پیامد این روند است.

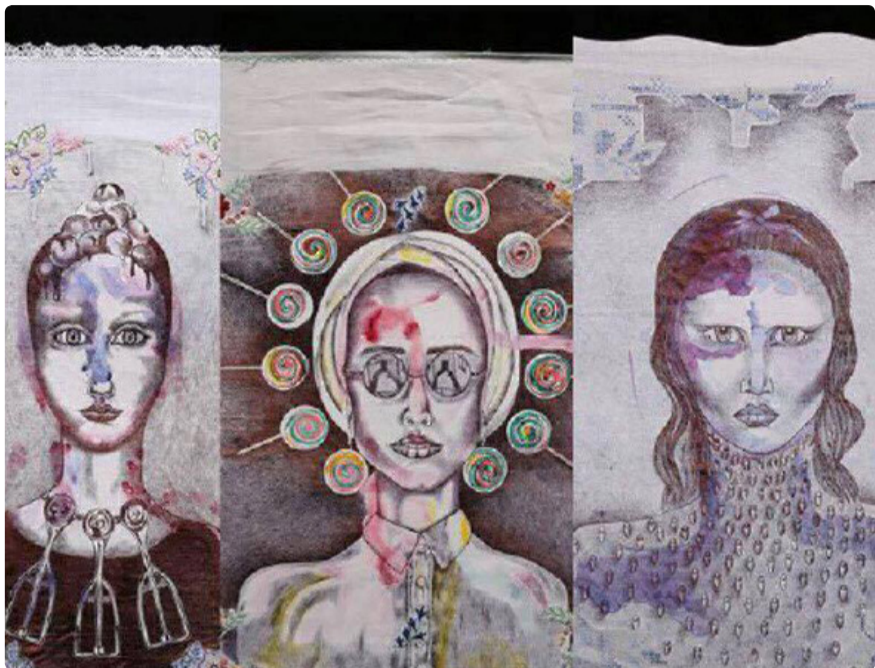
از قرائن برمی‌آید که دولت افغانستان از «شهروندی فرهنگی» نیز استقبال چندان نمی‌کند. شهروندی فرهنگی هم‌زمان به مسئله‌ی چندفرهنگی و چگونه‌گی حضور و مدیریت آن در چارچوب یک ساختار ملی واحد می‌پردازد. این شهروندی به کثرت‌گرایی فردی، گروهی و هویتی در چارچوب یک جامعه‌ی دموکراتیک تأکید داشته و تفاوت‌های زبانی، قومی، مذهبی، دینی، جنسی و ترکیب‌های متفاوت این تفاوت‌ها را وارد گفتمان شهروندی می‌سازد. شدت تقابل تفاوت‌ها در تناسب به توانمندی دولت در مدیریت آن‌ها، میزان کیفیت شهروندی فرهنگی در یک جامعه را تعیین می‌کند. در جوامعی که در آن چندفرهنگی به گونه‌ی رسمی پذیرفته، حمایت و مدیریت می‌شود، «شهروندی چندفرهنگی» بحث غالب است. افغانستان با آن که وسیعاً یک جامعه‌ی چندفرهنگی است، واقعیت چندفرهنگی بودن آن چندان مورد عنایت دولت قرار نگرفته است. اختلافاتی که روی جزئیات شناسنامه‌ها بروز کرده‌اند، نشانه‌هایی از نادیده‌گرفته‌شدن چندفرهنگی جامعه و تمایل به فرار از رعایت شهروندی فرهنگی در رده‌های بالایی دولت است. برای عبور از این بحران نیاز است دولت با پذیرفتن واقعیت چندفرهنگی افغانستان و احترام به حقوق فرهنگی شهروندان این کشور، وارد گفتمان جدید با شهروندان معترض شده و به طرح سیاست‌های برابری‌خواهانه‌ی فرهنگی و شهروندی بپردازد.

الهیاتون

حاشیه‌ها

گفتارهای پراکنده درباره‌ی فرهنگ عامه

محمد آغا ذکی



زبان زنانه

روینا شهبایی

قسمت دوم

بر زبان و ساختار زبانی خاص زنان تأکید می‌شود. از آن‌جا که زنان در جوامعی با ساختارها و بسترهای اجتماعی مردسالار زنده‌گی می‌کنند، بعید نیست که زبان آن‌ها نیز در تسلط مردان باشد. از این رو، فیمینیست‌ها با استفاده از زبان‌شناسی، به دنبال الگوهای ویژه‌ای برای ایجاد کلام و نوشتار و به طور کلی، سبکی زنانه در زبان هستند. زنان اساساً زیر فشار زبان حاکم و مسلط مردانه بوده‌اند و مردان زبان زنان را تحقیر کرده و ضعیف و غیر قطعی می‌دانند؛ زبانی که به موضوعاتی جزئی و ناچیز، سبک، غیرجدی و حتا احمقانه متمرکز می‌شود. زبان مردانه به این باور است که زنان در پاسخ‌های خود به کلامی احساسی و شخصی تأکید می‌کنند؛ در حالی که زبان مردان را قوی، ثابت و نامتزلزل می‌دانند. این برداشت معتقد است که زنان باید سخن و کلام خود را مطابق با الگوی زبان مردان عیار کنند تا بتوانند به برابری اجتماعی دست یابند. این باور، در نوع خود باز همان تحمیل و هژمونی مذکر است. «جولیا کریستوا»، فیمینیست منتقد و رمان‌نویس فرانسوی به این باور است که در مرحله‌ی پیش اودیپی، زبان سامان‌نیافته‌ای حاکم است که به شیوه‌هایی غیر از منطق زبانی اظهار می‌شود و امکان تشخیص هویت جنسی را به مخاطب نمی‌دهد. چیزی که جولیا کریستوا، زبان پیش‌اودیپی می‌داند؛ یعنی زبانی که هویت جنسی مشخص ندارد و هنوز تمایز جنسی در آن صورت نگرفته، به عنوان زبانی که زنان باید در نوشتار خود به کار برند، معرفی می‌کند. اما در به‌کارگیری این نظر، زنان به همان ضعف زبانی مذکور، دچار می‌شوند. بنابراین اگر زنان بخواهند نوشته‌های‌شان زنانه باشد، باید سخن‌شان، ساختار نحوی دیگری داشته باشد. به بیان دیگر، زبان زنان باید غیر از بافت نحوی مردسالار که همراه با سرکوب غرایز جنسی زنانه است، باشد.

مأخذها:

۱. قره باغی، ۱۳۸۲؛
۲. خراسانی، ۱۳۷۹؛
۳. الن شوالتر، نقدی از آن خود؛
۴. منیژه نجم عراقی، زن و ادبیات؛
۵. مرسته صالح پور، مدرنیته و نگارش زنانه؛
۶. ویرجینیا وولف، زن و ادبیات داستانی.

زبان در هویت‌یابی و ارتباطات اجتماعی نیرویی بسیار هدایت‌کننده دارد. زبان هر جامعه، نشانه‌هایی از فرهنگ آن جامعه است و با فرهنگ نیز شکل می‌گیرد. بنابراین، برای درک و شناخت اصول و قوانین حکم‌فرما بر مقوله‌ی جنسیت در هر جامعه‌ای، مطالعه‌ی زبان آن جامعه نقش بنیادی دارد. الین شوالتر، منتقد امریکایی سنت نویسنده‌گی زنان را به سه مرحله تفکیک می‌کند و معتقد است که زنان در هر مرحله، بی‌آن‌که ویژه‌گی‌های نویسنده‌گی را از دست داده باشند، به آزادی بیشتری نسبت به مراحل قبل دست یافته‌اند.

در مرحله‌ی اول یا زنانه، نویسنده‌گان زن معیارهای زیبایی‌شناختی مذکر و مسلط را تقلید می‌کنند و در نوشته‌های خود زبانی را تصویر می‌کنند که بسیار محترم‌اند، از احساساتی شدن دوری می‌کنند، با مردان معاشرت و نشست و برخاست دارند، اما معاشرت‌های خود را به محافل خانواده‌گی محدود می‌دارند. نوشته‌های «جورج الیوت» که نام اصلی او «ماریان ایوانس» است را می‌توان در همین طبقه‌بندی قرار داد.

در مرحله‌ی دوم یا فیمینیستی، نویسنده‌گانی چون «الیزابت رابینز»، به تدریجی‌های آشکارا و شکستن هنجارهای متداول روی می‌آورند. اغلب به ارزش‌های مذکر حمله می‌برند و حمایت از انجمن‌ها و محافل زنانه را وظیفه‌ی خود می‌شمارند. شاید بتوان گفت پس از «ویرجینیا وولف»، نوعی بی‌پرده‌گویی درباره‌ی مسائل جنسی و روابط بین زن و مرد به ادبیات زنان راه یافت.

در مرحله‌ی سوم یا مونث، نویسنده‌گان زن ضمن بهره‌جویی از میراثی که دو مرحله‌ی پیشین برای آن‌ها به‌جا گذاشته، مسئله‌ی دریافت متکثر، آگاهی مونث و اندیشه‌ی نوشتار زنانه را هم مطرح می‌کنند. لحن نوشته‌های برخی از نویسنده‌گان این دوره مانند «به‌کا وست» ملایم و برخی دیگر از جمله «جوانا راس»، نویسنده‌ی کتاب «مرد مونث» لحنی پرخاش‌جویانه و قهرآمیز دارند. این قلمرو از فعالیت‌های زنانه در ارتباط با مضامین خاص، ساختارها و گونه‌های نویسنده‌گی زنانه است و زبان زنانه، مسائل تاریخی‌ای که زنان در امر نویسنده‌گی با آن روبه‌رو بوده‌اند و به طور کلی طبیعت فعال زنانه را در بر می‌گیرد. در حوزه‌ی نویسنده‌گی زنان، با توجه به تفاوت‌های زبانی بین زن و مرد، همواره

تنگ و تاریک جا داده‌ایم. شرم‌نامه‌ام که این را می‌گویم: آن‌قدر ناخوش‌آیند- بلکه چندش‌آور است که آدم امنیت خاطرش را از دست می‌دهد. در کافه‌های ما، بدترین و بی‌کیفیت‌ترین قهوه یا چای را به گران‌ترین قیمت ممکن با کیک و بیسکویتی پس‌مانده و بد طعم به خورد آدم می‌دهند. میز و صندلی‌های بد و ناراحت، نور و دکور و مدیریت، صحبت‌های کوچک‌بازاری و جلف و برخورد... ما کافه را با کجا اشتباه گرفته‌ایم؟ کاش «کافه کتاب» داشتیم. کاش «کافه کتاب» داشتیم... بگذریم.

- با «پل سوخته» ی کابل که آشنايید، بلدید؟! از شما چه پنهان، در همین‌روزها، گذرم به آن‌جا افتاد. وقتی آن‌جا راه می‌روید، احساس می‌کنید در میان «دالیت‌های هند راه می‌روید. پل سوخته را که حالا از لطف سوخته‌دل‌ها و سوخته‌جان‌هایی که زیر آن پل هر روز تزییق می‌کنند و می‌خورند و می‌نوشند و بعد می‌میرند، کماویش همه می‌شناسند، اما کمی پایین‌تر از پل سوخته «کوتاه‌سنگی» نام دارد. آن‌جا همه‌چیز را عکس چیزی که باید باشد، می‌یابید. نگاهی به قصای‌های آن‌جا بیندازید؛ حیوان‌هایی را می‌بینید که زنده پوست شده و روی سیخ‌ها با دهان‌های باز و چشم‌هایی که از کاسه‌ی سر بیرون زده، آویزان شده‌اند و لقلق به شما نگاه می‌کنند، به کودکان بیش‌تر. گاهی هم می‌بینید که کبد (جگر) حیوان بی‌زبانی که به دلیل پر خونی باید تازه مصرف شود، از بام تا شام زیر انواع

خاک و دود و کاربن پیش روی دکان‌های قصایی آویزان است، بی آن که قصاب بزرگوار سر کسی خبر باشد. البته ناگفته نباید گذاشت که جگر تازه و آماده هم روبه‌روی آن دکان‌ها قابل دست‌یافت است. هر وقت خواستید جگر تازه‌ی کباب‌شده بخورید، به کراچی‌های «کباب‌پز» ی که کنار زباله‌دانی‌های شاروالی - که تا گلو پر از زباله‌اند- قرار دارند، مراجعه کنید. در این جاها، آدم‌ها، بیش‌تر مردها و بیش‌تر از آن دانش‌جوهای حساب‌کتاب‌دان و اهل خوراک پاکیزه، بایسکیل/ دوچرخه‌های خود را پارک می‌کنند تا کباب تازه و ارزان فراهم کنند. فضای لحظه‌های انتظار برای رسیدن به نوبت «کباب تازه و صحنی» آن‌جاها، فضایی است که از حیث روان‌شناختی فردی آدم‌ها و روان‌شناختی اجتماعی آنان جای تأمل دارد. آدم‌هایی که مصرف‌کننده‌ی این کباب‌های «تازه» و «صحنی» هستند، شاید گرایش‌های طبی و ایمنی دارند؛ شاید به این باورند که امنیت در افغانستان به ویژه در کابل خراب است، به جای این‌که به دست یک طالب «جانی» در انتحاری‌ای تکه‌تکه شوند، این راه مسالمت‌آمیزتر و ایمن‌تر می‌نماید. آیا شما هم این‌گونه فکر می‌کنید؟!

- مثلاً گاهی از شما خواسته شود که در مورد «صندلی/ چوکی» چیزی بگویید یا بنویسید، شاید جالب به نظر برسد، نه؟ صندلی، چوکی، چه سوژه‌ی مسخره‌ای که آدم‌ها در مورد آن حرف بزنند. من اما دوست دارم بگویم که چوکی/ صندلی، صورت سامان‌دهی‌شده‌ی نشستن است. این موضوع را چندی پیش در مورد زنده‌گی شهری اروپایی‌ها خواندم. شاید برای ما شرقی‌ها که بیش‌تر از «دوشک» و «بالش» استفاده می‌کنیم؛ این چیزها زیاد جالب نباشند. در بیش‌تر موردها تمام شغل‌ها را می‌توان بررسی کرد و دید که عنصر چوکی/ صندلی در فضاهای شغلی وجود دارد. در نهایت می‌خواهم بگویم که چوکی/ صندلی برای رسمی‌ساختن و قاعده‌مندکردن نشستن ساخته شده‌اند. دیگر شهرهای افغانستان به کنار، اگر از پرسه‌زنی در شهر کابل خسته شده باشید و خواسته باشید جایی بنشینید و دمی خسته‌گی رفع کنید، مجبورید برگردید رستورانتی، کافه‌ای، جایی. مکان‌های عمومی در شهرها، محل استفاده از صندلی/ چوکی‌ها است. نشستن بر صندلی/ چوکی‌های شهری، تجربه‌ای است که آدم گاهی احساس می‌کند در «شهر» زنده‌گی می‌کند. این‌که کابل چه وقت «شهر» می‌شود و مکان‌های عمومی‌اش جایی برای تجربه‌ی نشستن روی چوکی/ صندلی‌های شهری، نمی‌دانم. حرف و حدیث‌ها پیرامون فرهنگ عامه فراوان است، چشم‌دیدهای دیگر را شما بنویسید، و با دوستان‌تان شریک کنید.

دوست داشتیم در این یادداشت پراکنده که موضوع آن آزاد است، از چیزهای گوناگون به صورت سکانس سکانس بنویسم. مثلاً درباره‌ی دو موضوع آب و نان در لحظه‌های عادی و جاری زنده‌گی. یا با جهشی زیاد و جهتی نسبتاً پرت درباره‌ی رابطه‌های انسان مدرن با «لایک» و «کمنت» در دنیای مجازی. یا باز پرت‌تر از آن، درباره‌ی کارزار کارگاه‌های آموزش فن بیان/ آیین سخن‌رانی در مراکزهای «علمی» در کابل که با این شعارها آغاز کرده‌اند: «آی می خواهید مانند شیر در میان گله‌ی گوسفندان غرش کنید؟ پس بشتابید و فن بیان/ آیین سخن‌رانی بیاموزید.» یا مثلاً درباره‌ی آن «شاعر مارکیت» مندوی بنویسم یا فیلم «ناتینگ‌هود» که این‌روزها سروصدا به راه انداخته است. یا اصلاً درباره‌ی کوچی مرغ‌فروشی کابل بنویسم و دوکافی که در لوحه‌ی تبلیغاتی آن نوشته‌اند: «مورق فروشی برادران حکمت‌یار صایب.»

- شاید گاهی با «تکسی شهری» جایی رفته باشید. از این‌که چنان «مارپیچ» روی جاده‌های آسفالت‌شده‌ی کابل (با لبخند) خاک‌بادکنان راه می‌روند بی آن که لحظه‌ای به عابران کنار خیابان فکر کنند، از این‌که چه خوب خوب برنامه‌های رادیویی را تعقیب می‌کنند و چه خوب خوب آهنگ‌هایی (که شاید تنها در تکسی و در فضای آلوده‌ی شهر کابل قابل شنیدن باشند) را می‌شنوند که بگذریم؛ ادبیات گفتاری جانانه‌ای هم دارند. سخن درباره‌ی خشم و ترس که هم‌زاد هم هستند و در زنده‌گی روزمره فراوان مشاهده می‌شود، گفتنی است... به خاطر می‌آورم مکالمه‌ی تلفنی مرد مستاصلی با هم‌سرش را که برای توضیح تأخیر در رسیدن به خانه زبانی چنان «فصیح» داشت که نپرسید. ناسزای مرد آن‌چنان پیچیده در لفافه‌ی لحن خشم‌گین او بود که مستقلاً و فرضاً به صورت مکتوب بر کاغذ ناسزا محسوب می‌شد، اما خشمی که در باطن صوت آن مرد نیز بود، چنان کارآمد بود که طرف (هم‌سرش) بی‌درنگ سکوت کرده بود و پس از چند دقیقه مکالمه‌ی یک‌طرفه تلفن قطع شد. چند ثانیه‌ای آرام بود، بعد با نگاهی چندش‌آوری به آینه‌ی عقبی انداخت و عرض کرد: «رمضان است و حوصله موصله نیس، پولته جور کو او بچه...». برخورد آن مرد، به دوستی که کنار من نشسته بود و به نظر می‌رسید تازه از آن طرف آب‌ها آمده باشد، چنان برآشفته که گویی سخت مورد هتاکی قرار گرفته بود. (ما و شما که عادت کرده‌ایم به این حرف‌ها و بی‌خیالی‌ها).

حس‌گرهای انسانی غالباً در لحظه‌های هتاک‌های آرام و شبه‌مودبانه یا مثلاً در لحظه‌های که آدم‌های حیل‌گر قصد اجرای خدعه‌های توهین‌آمیز دارند، به شدت درست و دقیق کار می‌کنند. لحن و نگاه (چشم و صدا) دو عامل اصلی این انتقال حس هستند. بارها شده است که همه شاید این تجربه را داشته‌ایم. در روان‌شناختی خشم آمده است: «خشم چنان تشعشعاتی دارد که به محض بروز حتا در پوشاننده‌های سخت و سفت نیز قابل رویت است.» در ماه مبارک رمضان هم آیا این «خشم» آدمی قابل کنترل است؟!

- در محیط‌های شهری، گاهی که دل‌تنگی سراغ آدم‌ها می‌آید، به کافه‌ها پناه می‌برند. راستش را بخواهید، کافه‌های ما هم چندان کافه نیستند. یک چیزی هستند بین تریا و رستوران و قهوه‌خانه و کلوپ و ساندویچی؛ یک جای تاریک و تنگ و ناراحت که بوی تند تنباکو و صدای آزارنده‌ی موسیقی نامناسب، ناراحت و ترش کرده. معمولاً آدم از ازدحام شهر و شلوغی دود و بوق و آدم به گوشه‌ی دنجی پناه می‌برد که در فاصله‌ی چای و قهوه‌ای، دمی بیاساید اما با این اوضاعی که کافه‌های ما دارند، چه جای آسایش؟! نمی‌گویم صد رحمت به همان ازدحام و شلوغی خیابان اما می‌گویم این هم از حیث آلوده‌گی صوتی و چشایی و بینایی دست کمی از آن ندارد. باور کنید که دود و سرب پراکنده در شهر به دود و بوی تنباکو در کافه‌ها دارد جا عوض می‌کند و نیز قبول کنید که بو و دود تنباکو و چرس و سیگار، چندان خوشایندتر از دی‌اکساید و منواکساید کاربن نیست. گویی ما شهرهای شلوغ و بی‌دود و پیکر را کوچک و فشرده کرده‌ایم و در کافی‌شاپ‌های



تبادل آتش میان ایران و اسرائیل، بازتاب‌دهنده‌ی تغییر در دورنمای استراتژیک خاورمیانه

● نویسنده: استیفا ن براين
● برگردان: محمدناصر صدیقی
● نشر نخست: آسیا تایمز

کودکانی که با تمام کوچکی‌شان بزرگ اند

سحر رحیمی



لبخندش به طرز عجیبی غم دارد، او با تمام کوچکی‌اش بزرگ است. درد کشیده، رنج برده و روی شانه‌های ضعیفش بار برده است. اسفند دود می‌کند تا نظر بردار زیبایی‌های زنده‌گی دیگران باشد، زیبایی‌هایی که هیچ‌وقت در زنده‌گی ندیده و نداشته است. نامش نظر محمد است با دستانی کوچک و آرزوهایی کوچک‌تر و چشم‌های سبز روشنی که به هزار جنگل خشک می‌ماند، ۱۳ سال دارد، کار می‌کند و به مکتب می‌رود. آرزو دارد بزرگ شده و داکتر شود. بعد از مکتب اسفند دود می‌کند و شام‌ها بولانی می‌فروشد.

از خانواده‌اش می‌پرسم، لبخند روی لب‌های خشکش کم‌کم محو می‌شود. می‌گوید پدرم کراچی‌ران بود و قبل از این که به حرف‌هایش ادامه بدهد، در یادها اشک از چشمان سبز جنگلی‌اش سر می‌رود. پدرش کراچی‌ران بوده و حمله‌ی انتحاری حتا دیدار مرده‌اش را از او و خانواده‌اش دریغ کرده است. پسر بزرگ خانواده و تنها نان‌آور خانه است. دو خواهر و یک برادر کوچک‌تر از خودش دارد. از او در مورد بزرگترین آرزویش می‌پرسم، با همان لبخند غم‌انگیزش جواب می‌دهد «دوست دارم کلان شده داکتر شوم و پول زیاد پیدا کنم. سر خواهرها و برادرم تحصیل کنم و یک خانه بخرم تا مادرم دیگر از غم کرایه‌ی خانه، تشویب کرده مریض نشود.»

در این روزهای نزدیک عید، نه خبری از لباس عیدی است و نه شیرینی و شور کودکی برای او و کودکان هم‌رده‌ی او که از شادی محروم اند. زنده‌گی رنج‌های بسیاری دارد که برای هر کسی یکی را نشان می‌دهد. حالا مثلاً سری که باید گرم دنیای معصوم کودکانه باشد، درگیر غم نان و روزگار است. با دست‌هایی خسته از جبر زنده‌گی و شانه‌های کم‌زور زیر بار و آرزوهای کوچک، اما دست‌نیافتنی

و امان از بی‌رحمی روزگار که نه سن می‌شناسد و نه جنسیت. جمیله هم از کودکان محله‌ی نظر محمد است. زنده‌گی او اما با کمی تفاوت غم‌انگیزتر از آن یکی است. ۱۰ سال بیشتر ندارد، اما به ظاهر سالم‌ان بلندی رنج روزگار را برده و دیده و زنده‌گی به خوردش داده است. با صورتی به لطافت گل وسط خاک و گل چادرش را مرتب و بوجی روی شانه‌ی نحیفش را روی شانه‌ی دیگرش جمع‌وجور می‌کند. پدرش معیوب است و مادرش در خانه‌های مردم صفاکاری می‌کند. او یکی از ده فرزند والدینش است. همه درگیر کارهای شاقه و جمع‌آوری چیزهای به دردخورشان از میان زباله‌ها هستند. مکتب نرفته و چیزی از درس و خواندن نمی‌داند. هر چه می‌پرسم فقط لبخند می‌زند و کوتاه جواب می‌دهد. پوست صورت نازک و موهایی کم‌پشتش زیر نور آفتاب سوخته است و در واقع خود این کودکان هم از نسلی سوخته‌اند.

آن‌طرف‌تر برادرش که وسط انباری از کثافت دنبال چیزهایی برای ادامه‌ی زنده‌گی می‌گردد، ایستاده است. جلوتر می‌آید، کمی خشن به نظر می‌رسد، تا اشمش را می‌پرسم، با عصبانیت جواب می‌دهد: «اسلام». اسلام ۱۲ ساله است، مکتب را ترک کرده و می‌گوید بزرگترین آرزویش خوردن یک شکم سیر غذاست. او نه آرزوی مکتب و درس خواندن به سر دارد، نه امیدی به آینده. شبیه آن کهنه آدم‌های بازمانده پس از سال‌ها جنگ که چیزی برای از دست دادن ندارند حرف می‌زنند.

ادامه در صفحه ۸

در سوریه است؛ جنگی که از منابع آن بکاهد و بر تلفات روس‌ها بیفزاید. این خواست، در داخل روسیه نیز بار منفی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. مردم غم‌انگیز روسیه برای رشد اقتصادی داخلی و کاهش تقابل‌های نظامی گرسنه هستند. پوتین در حال حاضر اعلام کرده است که او در این مسیر قرار دارد و برای کاهش هزینه‌های نظامی سعی می‌کند.

سوریه یک تخلیه‌گاه است و اگر ایرانی‌ها و حزب‌الله مشکل بیشتری ایجاد کنند، به ویژه زمانی که داعش و شرکای آن مانند النصرة همه شکست خورده‌اند، وضع بدتر خواهد شد. همان‌طوری که جورج ایکن، سناتور پیشین ورمونت در مورد منازعه‌ی پر هزینه‌ی ویتنام گفت «چرا ما فقط پیروزی اعلام نمی‌کنیم و آن‌جا را ترک نمی‌کنیم برای روس‌ها در سوریه؟»

از دیدگاه روسیه، ایران یک متحد غیر قابل کنترل و فریبنده است، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی القدس که در سوریه فعالیت می‌کند.

ایران در سوریه به صورت خطرناکی در معرض قرار گرفته است. القدس در آن‌جا است و اگر منازعه‌ی آن با اسرائیل ادامه یابد، با راه طولانی امکانات روبرو خواهد شد. اگر روس‌ها نمی‌توانند ایران را کنترل کنند، ممکن است روسیه تصمیم کنار رفتن بگیرد و بگذارند اسرائیلی‌ها نیروهای القدس و جنگجویان خارجی را نابود سازند. این نیروها را ایران برای مبارزه و کاهش تلفات نیروهای ایرانی به سوریه آورده است.

ایرانی‌ها باید بدانند در حالی که یک تفاهم همزیستی مسالمت‌آمیز میان اسرائیل و روسیه وجود دارد، این ممکن است کلید نزدیک شدن روابط بین واشنگتن و روسیه در آینده نیز باشد. رییس جمهور دونالد ترامپ با پایان دادن به موافقت‌نامه‌ی هسته‌ای JCPOA با ایران، شدت بازی بزرگ را تغییر داده است.

در حالی که عملکرد ترامپ در واشنگتن، توسط ادعاهایی که اداره‌ی او نوعی رابطه با دخالت روس‌ها در انتخابات داشته، محدود شده است، وی یک نقش قوی بین‌المللی را در ملاقاتی که قرار است با کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی داشته باشد، ایفا می‌کند. اگر این کار اندکی هم موفق شود، تغییر توازن حمایت سیاسی به نفع ترامپ را به ارمغان خواهد آورد و به او فرصتی فراهم خواهد شد تا به کمک احتمالی اسرائیل به روس‌ها نزدیک شود و در مورد مسائل مهم مانند تسلیحات هسته‌ای، اوکراین، کریمه و چالش‌ها برای ناتو با آن‌ها گفت‌وگو کند. اگر وضعیت چنین انکشاف یابد، ایران بهای سنگینی خواهد پرداخت.

تا حال ایران در مسیر حرکت جیوپولیتیک خود بدون چالش قرار دارد. هیچ‌کس نمی‌داند که اگر به طور مستقیم به چالش کشیده شود، ایران چگونه خواهد بود. احتمالاً حتا ایرانی‌ها نمی‌دانند. تحولات اخیر نشان می‌دهد که اکنون زمان دریافت پاسخ به این سوال فرا رسیده است.

هنگامی که رییس جمهور پوتین پیشنهاد کرد تا رشته‌ی سنت جورج را به کرتی آن‌ها نسب کند، ووچیچ خودداری کرد. نتانیاهو پذیرفت. رشته‌ی سنت جورج، رشته‌ی یادبود از شرکت‌کننده‌گان در جنگ جهانی دوم و یک نماد ملی‌گرایی است. نتانیاهو با رییس جمهور پوتین، مثل یک میلیون روسی که برای اشتراک در مراسم قدم زدن حضور داشتند، قدم زد و لوحی با نام و عکس یکی از وابسته‌گانش را که در جنگ جهانی دوم از دست داده بود با خود حمل می‌کرد.

حضور نتانیاهو در مسکو به شدیدترین وجه ممکن نشان می‌دهد که هر دو رهبر به تفاهم همزیستی مسالمت‌آمیزی رسیده‌اند. این تفاهم به ارتش‌های اسرائیل و روسی اجازه می‌دهد روی سیستم تفکیک نیروهای هوایی و دفاع هوایی خود کار کنند. روسیه همواره برای تحمل حملات اسرائیل بر ضد حمل‌ونقل اسلحه و انبارهای سلاحی که برای حمایت از ایران و یا حزب‌الله فعالیت می‌کند، تمایل نشان داده است.

ایران باید نگران باشد که روسیه و اسرائیل برای همکاری نزدیک در سوریه کار می‌کنند. ایران تلاش می‌کند که به ۱۰ پایگاه دایمی که در سوریه دارد، بیفزاید و اکنون خواهان یک پایگاه دریایی است، اما بشار اسد پس از اعتراضات روسیه آن را رد کرده است. اسرائیل نیز بی‌تردید مخالف حضور نیروهای دریایی ایران است. هدف استراتژیک ایران تسلط بر کشورهای عراق، لبنان، سوریه و در نهایت اردن به عنوان جبهه‌ی قدرتمند شیعه است که نه تنها برای گسترش ایران، بلکه برای اعمال فشار نظامی بر اسرائیل اساسی است. ایران در حال حاضر نفوذ نامتناسب در عراق دارد و از طریق حزب‌الله لبنان را در کنترل دارد، اما سوریه به خاطر نزدیکی آن به اسرائیل و تأسیسات زیادی که ایران در آن‌جا ساخته است، بسیار مهم‌تر است.

روس‌ها برای کنترل و یا اخراج ایران از سوریه، زیر فشار چشم‌گیر اسرائیل قرار دارند. در حالی که احتمال گزینده‌ی دوم نمی‌رود، تهدیدات ایران به عربستان سعودی از طریق برنامه‌های راکتی و هسته‌ای، از طریق مداخلات در عراق و حمایت از حوثی‌ها در یمن از جمله تأمین راکت به حوثی‌ها که به واسطه‌ی آن عربستان سعودی را هدف می‌گیرند، برای روس‌ها بسیار مشکل‌ساز واقع شده است.

اقتصاد روسیه تنها دو نقطه‌ی روشن دارد: فروش اسلحه که نفوذ روسیه را گسترش می‌دهد و نیروهای کم خرج روسیه را تقویت می‌کند و صادرات نفت و گاز به اروپا و چین که بقای اقتصادی روسیه را کمک می‌کند. در نتیجه روس‌ها نیاز دارند که روابط خوب خود با بازیکنان کلیدی در بازار نفت و گاز به ویژه عربستان سعودی را حفظ کنند. در حالی که ایران نیز صادرکننده‌ی نفت است، اما زیر مجموعه‌ی ۱۰ صادرکننده‌ی برتر قرار دارد.

آخرین چیزی که روسیه می‌خواهد یک جنگ طولانی

روسیه برای این که حملات اسرائیل بر ایران را اجازه دهد تمایل نشان داده است. هنگامی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل با ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه در لوای جاویدان، برای یادبود از سربازان روسی‌ای که در جنگ جهانی دوم جان باخته‌اند، در مسکو قدم می‌زد، اسرائیل برای تلافی حملات موشکی ایران بر واحدهای نظامی آن کشور در تپه‌های استراتژیک گولان آماده می‌شد. اسرائیل این حملات را به نیروهای قدس، یک واحد نخبه‌گان سپاه پاسداران انقلاب ایران نسبت داده است.

نیروهای قدس به طور مستقیم به علی خامنه‌ای، رهبر ایران که بدون تردید مجوز چنین حملاتی را صادر می‌کند، گزارش می‌دهند و وی باید مسئولیت کامل پیامدهای آن را بپذیرد.

نخستین رویدادی که در آن ایران به طور مستقیم خاک اسرائیل را با شلیک ۲۰ راکت مورد هدف قرار داد، با ناکامی کامل پایان یافت.

وزارت دفاع اسرائیل گزارش می‌دهد که «چهار فروند از ۲۰ پرتابه‌ای که توسط نیروهای ایران شلیک شده، توسط سیستم دفاع موشکی گنبد آهنین دفع شدند و بقیه در سوریه سقوط کردند.» راکت‌ها شامل مدل‌های گراد و فجر-۵ بوده است.

گراد یک راکت ۱۲۲ میلی متری ساخت شوروی سابق است که بخاطر سقم آن یک سلاح تروریستی پنداشته می‌شود. فجر-۵، یک راکت بزرگتر ۳۳۳ میلی متری ساخت ایران است که بر اساس یک نمونه‌ی چینیایی ساخته شده است. دقت این راکت ظاهراً نزدیک به ۲۲۰ متر است.

اسرائیل به حملات ایران با حمله‌ی بزرگتر ۷۰ راکت پاسخ داد که در آن مراکز فرماندهی، انبارهای سلاح در سوریه و دفاع هوایی سوریه در اطراف دمشق و دفاع هوا در بخش‌های گولان مرتبط به سوریه را هدف قرار داد. به گفته‌ی وزارت دفاع اسرائیل، دفاع هوایی سوریه به اندازه‌ی ویران شده که دیگر کار نمی‌کنند و باید به طور کامل بازسازی شوند. اسرائیل می‌گوید حملات تلافی‌جویانه علیه بسیاری از اهداف ایران موفق بوده است، اما ارزیابی قابل اعتماد زمان می‌برد.

اقدام ایران برای حمله بر اسرائیل و پاسخ قدرتمند اسرائیل نشان می‌دهد که تغییرات مهمی در شدت جیو استراتژیک خاورمیانه در حال بروز است.

چند نکته‌ی کلیدی که در این مورد قابل بررسی است اسرائیل پیش از حمله به ایران، روسیه را آگاه کرده بود، واقیعتی که رسماً توسط سخنگوی وزارت دفاع اسرائیل اعلام شده و توسط مطبوعات روسیه گزارش شده است. قابل توجه است که در مراسم سالانه‌ی هفتاد و سومین جشن پیروزی روسیه در جنگ جهانی دوم و رسم قدم زدن جاویدان در آن تنها دو بازدیدکننده‌ی خارجی: رییس جمهور صربستان، الکساندر ووچیچ و نتانیاهو حضور داشتند.



sanjarsohail@yahoo.com
parwiz_kawa@yahoo.com

سنجر سهیل
پرویز کاوه
فردوس کاوش
رامین مظهر و لیمه آفشید
علی آرش

صاحب امتیاز:
مدیر مسول:
تحلیگر ارشد:
ویراستاران:
گزارش تحقیقی:

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Parwiz Kawa, parwiz_kawa@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

وحید پیمان، حسین حیدری، فاطمه فرامرزی، سحر رحیمی و فهم امین
رضا مرادی و ذبیح‌الله فاضلی
احمد ضیا محمدی
امید نبی‌زاده، محمد رضایی
۰۷۰۸۱۴۴۰۴۷

صندوق پستی ۱۹۱۱، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
8am.daily@gmail.com

۸صبح در ویرایش و پیرایش مطالب وارده دست باز دارد.

به جز سرمقاله، آرای مطرح شده در مقالات به نویسنده‌گان آن برمی‌گردد.

عزیزی بانک به منظور انقلاط ارزهای دالر امریکایی، یورو و بن چیبای در یکی از بزرگ ترین بانک چین حساب (Nostro) باز کرده است و از همین طریق بکبار دیگر انقلاط مستقیم پول را آغاز نموده. همچنان عزیزی بانک با این بانک بین المللی و قابل اعتبار چیبای در یک همکاری ستراتیژیک در سه ارز یاد شده برای معاملات تجاری و مالی با شرکت های چینی معاملات بانکی را انجام میدهد.

عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af 1515

از صفحه ۷

کودکانی که با تمام کوچکی شان بزرگ اند

روز را در هفته به تفریح و گردش با خانواده اش مشغول است. از آرزویش هم که می پرسیم، کوتاه می گوید: «آرزو دارم پرواز کنم»

کودکان آسیب پذیرترین گروه در هر جامعه هستند. به گفته روان شناس ها، کودکانی که شرایط سختی را در کودکی به ویژه شش سال اول زنده گی تجربه می کنند، در سنین بزرگ سالی دچار اضطراب و استرس و تغییر در ساختار فیزیکی مغز و نیز مسبب بلند رفتن ریسک ابتلا به بیماری های درونی و روانی بسیاری می شود. در همین حال این جا، در افغانستان حتا شبکه تلویزیونی مخصوصی برای کودکان وجود ندارد و آنان در کنار خانواده گاهی حتا پای تماشای سریال ها و فلم های وحشت ناک و جنگی می نشینند. خانواده ها نه تنها به این نکته توجه ندارد که حتا اکثرا جلو کودکان به جنگ و دعوا می پردازند و در حضور آنان رکیک ترین دشنام ها را به کار می برند.

اول جون، روز جهانی کودک نام گذاری شده است. در همین حال سازمان جهانی پشتیبان کودکان در گزارش تازه اش نوشته است که افغانستان در سال ۲۰۱۸ نیز در رده شانزدهم بدترین کشورها برای رشد کودکان قرار گرفته است. بر بنیاد این گزارش، بیش از ۷ درصد کودکان قبل از سن ۵ ساله گی در افغانستان می میرند، ۴۰ درصد آنان از نداشتن رشد سریع رنج می برند و بیش از ۳.۵ میلیون طفل نیز از مکتب باز مانده اند و نزدیک به یک سوم مصروف کار هستند.

کودکان در حبیبی از رویا و تخیلات کودکی خودشان به سر می برند. کودکان کار اما قبل از وقت بزرگ که نه، پیر شده اند. شاید مقصر خانواده های این کودکان نیستند، زنده گی طوری با آنان سر گرفته که اصلی برای فرزندپروری را فراموش کرده اند و اگر به یاد هم داشته باشند، شرایط مراعات آن وجود ندارد. اما با وجود این شرایط نامتعادل چنین والدینی بیشتر آگاهانه فرزند به دنیا نمی آورند، بلکه بدون هیچ نوع تفکر و برای رفع نیاز غریزی، کودکی را سرگردان کوچ و غم نان و روزگار می سازند. به دنیا آوردن موجودی و درگیر ساختن او با زشتی های زنده گی چه لزومی دارد؟ بسیاری این کودکان به استرس پس از حادثه ناشی از جنگ و حملات انتحاری که در آن اکثرا عضوی از خانواده شان را از دست داده اند، گرفتار شده اند. شمار زیادی از این کودکان مورد تجاوز و آزارهای جنسی و لفظی قرار گرفته اند و اکثریت آنان به بیماری های مختلف دچار و یا معتاد شده اند. بدون شک این رنج ها و شکنجه های دوران کودکی، مشکلات مادام العمری را روی شخصیت و روان این کودکان به جا می گذارد. بدرفتاری های دوران کودکی و سختی روزگار از آنان چیزی بیشتر از قاتل، هراس افکن، معتاد و در نهایت باری روی دوش جامعه تحویل مان نمی دهد.

اما رخ زنده گی را می شود حتا در کش های الیاس دید، در طرز لبخند و لطافت پوستش. پدری دارد تجار و پولدار و زنده گی سرتاسر ایده آل و پر از آرامش. در یک مکتب خصوصی درس می خواند و بعد از مکتب به کورس زبان می رود. یکی دو

نخست وزیر اسپانیا بر کنار شد، سوسیالیست ها دولت تشکیل می دهند



پس از رای عدم اعتماد، آقای راخوی به آقای سانچز تبریک گفت.

آقای سانچز پس از سوگند، دولت جدید اسپانیا را معرفی خواهد کرد.

تشکیل دولت جدید در اسپانیا با آغاز به کار دولت جدید در ایتالیا همزمان شده است.

حزب سوسیالیست در حالی دولت جدید اسپانیا را تشکیل می دهد که در مجلس دارای اکثریت نیست و احتمال داده می شود در هفته ها و ماه های بعد انتخابات برگزار شود.

آقای راخوی از سال ۲۰۱۱ نخست وزیر اسپانیا بوده است.

با رای عدم اعتماد مجلس اسپانیا به ماریانو راخوی، نخست وزیر این کشور برکنار شده و پدرو سانچز، رهبر حزب سوسیالیست به عنوان نخست وزیر جدید این کشور سوگند یاد می کند.

به گزارش بی بی سی، آقای راخوی اولین نخست وزیر اسپانیا در تاریخ معاصر این کشور است که در مجلس رای عدم اعتماد می گیرد.

به دنبال رسوایی طولانی مدت فساد در حزب راست گرای مردم، حزب سوسیالیست خواهان رای عدم اعتماد به دولت شد که با حمایت دیگر احزاب همراه شد.

بنا به راهنمایی های والا حضرت شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان رئیس کشور امارات متحده عربی (خداوند حفظش کند) و والا حضرت شیخ محمد بن زاید آل نهیان ولیعهد ابوظبی، سرقومندان اعلا نیروهای مسلح، و با پیگیری والا حضرت شیخ منصور بن زاید آل نهیان معاون صدر اعظم و وزیر امور ریاست و رئیس مؤسسه بشردوستانه خلیفه بن زاید آل نهیان، پروژه کمک های رضانی برای سال ۲۰۱۸ در ولایت کابل به روز ۳۰ می ۲۰۱۸ آغاز گردید که این پروژه از طرف مؤسسه بشردوستانه خلیفه بن زاید آل نهیان تمویل می گردد و برای بیجا شدگان و نیازمندان در ولایت کابل توزیع گردید، که از این کمک ها صدها فامیل مستفید شدند.

جناب سیف الشامسی شارژدافیر سفارت کشور امارات متحده عربی در کابل اظهار داشت که این کمک ها تحفه ای می باشد از ملت امارات به ملت افغانستان و رهبری خردمند کشور امارات همیشه تاکید میورزد به کمک نمودن برای نجات مستحقین و نیازمندان در جمهوری اسلامی افغانستان. همچنان مؤسسه کمک های خویش را به دیگر ولایات افغانستان توسعه می دهد و جناب شارژدافیر اضافه نمودند که کمک های کشور امارات متحده عربی منحصرا به کمک های رضانی نمی باشد بلکه کشور امارات متحده عربی ملت افغانستان را در بخش های مختلف یاری می رساند مثل فراهم نمودن آب آشامیدنی و ساخت مکاتب و مساجد و کلینیک های صحتی و مراکز فنی و حرفه ای و این وظیفه انسانی آنها در قبال ملت برادر افغانستان می باشد.

قابل یادآوری است که مستفیدین از این کمک ها قدردانی خویش را از مؤسسه بشردوستانه خلیفه بن زاید آل نهیان ابراز نموده و خیر و سلامتی دایم را برای رهبری خردمند کشور امارات متحده عربی و برای مسؤولین مؤسسه بشردوستانه خلیفه بن زاید آل نهیان از خداوند استدعا نمودند.



داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

مقط در بدل

کابل
انقره

۲۱۵ دالر امریکایی

+93 790 07 1333 - +93 777 07 1333
+93 786 07 1333 - +93 700 07 1333

www.flyariana.com